

«مقاله پژوهشی»

**بررسی همبستگی بانک‌های منتخب با مدل همبستگی شرطی پویا (DCC)
و شناسایی بانک‌های دارای اهمیت سیستمیک
با روش ارزش در معرض خطر شرطی و ارزش شیپلی
سید علی ناصری^۱، فرخنده جبل عاملی^۲، سجاد برخورداری دورباش^۳
تاریخ دریافت: ۹۹/۳/۱۲ تاریخ پذیرش: ۹۹/۹/۱۱**

چکیده

ریسک سیستمیک در اثر حرکت هم‌زمان یا همبستگی بین بخش‌های بازار ایجاد می‌شود؛ بنابراین ریسک سیستمیک زمانی اتفاق می‌افتد که همبستگی بالایی بین ریسک‌ها و بحران‌های بخش‌های مختلف بازار یا موسسات فعال در اقتصاد وجود داشته باشد یا زمانی که ریسک‌های بخش‌های مختلف در یک بخش از بازار یا یک کشور با سایر بخش‌ها و کشورهای دیگر مرتبط و همبسته باشد. در این مقاله یک سنجه برای محاسبه ریسک سیستمیک به منظور توصیف کارای اهمیت سیستمیک هر موسسه مالی در یک سیستم ارایه شده است. برای بررسی همبستگی متغیر در زمان بانک‌های مختلف به یکدیگر از متدولوژی DCC-GARCH با توزیع‌های نرمال و t -استیودنت استفاده شده است. نتایج این بخش نشان می‌دهد که کاربست مدل DCC-GARCH-student-t نسبت به مدل DCC-GARCH-normal ارجحیت دارد. به منظور بررسی وجود اثر اهرمی از مدل GJR-GARCH استفاده گردید و نتایج حاصل از تخمین، وجود عدم تقارن و عدم وجود اثر اهرمی را در داده‌ها نشان داد. در بررسی همبستگی شرطی پویای بین بانک‌های منتخب نیز ملاحظه می‌شود که α_C ، β_C برای هر دو حالت تخمین معنادار نیستند در نتیجه در هر دو

Email: salinaseri@yahoo.com

Emil: fameli@ut.ac.ir

Email: barkhordari@ut.ac.ir

۱ دانشجوی دکتری علوم اقتصادی، دانشگاه تهران

۲. دانشیار علوم اقتصادی، دانشگاه تهران، (نویسنده مسئول)

۳. استادیار علوم اقتصادی، دانشگاه تهران.

حالت برآورد شده بر اساس توزیع نرمال و t -استیودنت $\alpha_C = \beta_C = 0$ بوده و مدل به همبستگی شرطی ثابت تبدیل می شود.

بر اساس نتایج حاصل از ارزش شیپلی و به منظور تخصیص ریسک کل بین بانک های موجود در نمونه، به ترتیب بانک های پارسیان، ملت، اقتصاد نوین، تجارت و صادرات دارای بیشترین اهمیت سیستمیکی برای دوره زمانی مورد بررسی از ۱۳۸۸/۰۳/۲۷ تا ۱۳۹۸/۰۲/۱۷ هستند.

طبقه بندی JEL: G21, G32, C13

واژه های کلیدی: ریسک سیستمیک، ارزش در معرض خطر شرطی (COVaR)، مدل DCC – GARCH، ارزش شیپلی.

۱. مقدمه

شوک‌های منفی وارد شده به یک موسسه مالی یا بحران موجود در این موسسات می‌توانند به سادگی منتشر شده و بر سایر نهادها و موسسات اثر بگذارند. بحران مالی سال ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ نشان داد که چگونه بحران می‌تواند به سرعت و از طریق سیستم مالی گسترش یافته و ثبات مالی را با خطر مواجه نماید. به عبارتی دیگر، اختلال در یک موسسه مالی اثرات معکوس^۱ بر سایر موسسات مالی و همچنین کل سیستم مالی دارد. انتقال بحران از یک موسسه به موسسه دیگر و نهایتاً به کل بازار و اقتصاد، به بی‌ثباتی سیستم مالی منجر گردیده و خطر شکل‌گیری ریسک سیستمیک را افزایش می‌دهد. به رغم انجام مطالعات و پژوهش‌های متعدد در زمینه ریسک سیستمیک، در خصوص مفهوم آن هنوز اجماع جامعی وجود ندارد.

بحران مالی می‌تواند از طریق انتقال بحران از سیستم مالی به کل اقتصاد و همچنین از طریق نجات بیرونی^۲ موسسه‌های مالی بزرگ با منابع حاصل از مالیات، هزینه‌های زیادی بر آحاد جامعه نیز وارد نماید. بحران‌های مالی نشان دادند که در صورت عدم انجام کارکرد صحیح سیستم مالی، پیامدهای خارجی منفی بسیار بزرگی بر کل اقتصاد تحمیل می‌شود به همین جهت و برای جلوگیری از این نقصان، مطالعات بسیاری بر ابزارهای سیاست کلان انجام شده تا به کمک این ابزارها سیاستگذاران قادر باشند تا در مراحل پیش از بروز بحران، متوجه شکل‌گیری آن شده و مانع بروز بحران شوند و یا زیان حاصل از آن را به حداقل ممکن برسانند. بنابراین تنظیم مقررات و مدیریت این ریسک‌های سیستمیک، علاوه بر موسسات مالی برای کل جامعه نیز مطلوب است. به همین دلیل، محاسبه و تحلیل این پدیده با استفاده از تکنیک‌های آماری مختلف، بخش عمده‌ای از تحقیقات اقتصادی در سال‌های اخیر را به خود معطوف نموده است.

1. Adverse Effects
2. Bailout

این مقاله تلاش دارد تا مدل های جدید معرفی شده در زمینه محاسبه ریسک سیستمیک که در آنها نواقص و ضعف های مدل های قبلی اصلاح شده و تخمین های حاصل از آنها در عمل نتایج بهتری به همراه داشته را ارائه نموده و از آنها در محاسبه ریسک سیستمیک بخش بانکی ایران بهره جوید. بر این اساس معرفی معیار COVaR چندگانه و مدل DCC-GARCH و استفاده از آنها در محاسبه ریسک سیستمیک به عنوان معیار و مدل مورد استفاده در اغلب مطالعات در زمینه سنجش ریسک سیستمیک، مورد توجه این مقاله است. در مطالعات انجام شده برای بررسی وابستگی دنباله ای، ویژگی پهن دنباله بودن سری های زمانی مالی مورد توجه قرار نگرفته و از توزیع نرمال برای تخمین مدل گارچ استفاده شده است. این پژوهش با مدنظر قرار دادن این نقیصه و انجام محاسبات مربوط به مدل DCC-GARCH با توزیع نرمال و استیودنت-t و انتخاب مدل صحیح درصدد ارائه مدل دقیق تری برآمده است. مطالعه اسپینوزا و همکاران (۲۰۱۵)^۱ نشان داد که نادیده گرفتن عدم تقارن-هایی که وابستگی دنباله ای را توصیف می کنند، می تواند به کم برآوردی شدید ریسک سیستمیک منجر گردد. با علم به این موضوع در این مقاله از روش GJR-GARCH برای پوشش عدم تقارن ها استفاده شده است. تحلیل و اندازه گیری وابستگی متقابل بین برخی از بانک های منتخب کشور با استفاده از متدولوژی COVaR به منظور تعیین بانک هایی که بیشترین میزان مشارکت در ریسک سیستمیک بازار بانکی در ایران را دارند، از اهداف این مقاله است. ضرورت دارد که تعیین میزان مشارکت هر یک از بانک ها در ریسک سیستمیک کلی موجود در سیستم به نحو صحیح و دقیق برآورد گردد. روش شپلی که در زمینه نظریه بازی های همکارانه مطرح شده است و بر اساس اصول موضوعه: ۱- عامل تعیین کننده سهم هر بازیکن از عایدی (هزینه)، نقش وی در دستیابی به عایدی (هزینه) بازی است ۲- اگر بازیکنی در شگل گیری ائتلاف یا دستیابی به عایدی (هزینه) حاصل نقشی نداشته باشد، سهمش از عایدی (هزینه) صفر است ۳- عایدی (هزینه) انتظاری هر بازیکن، قبل و بعد از دستیابی به عایدی (هزینه) ائتلاف، نباید از چانه زنی بازیکنان راجع به

1 Espinosa et al. (2015)

استراتژی‌شان متأثر شود (عبدلی و همکاران (۱۳۹۳) تعریف می‌شود، پاسخ منحصر بفردی به این موضوع ارائه می‌کند. اصل موضوعه جمع‌پذیری ارزش شیپلی اذعان دارد که جمع ارزش شیپلی هر موسسه از ریسک سیستمیک دقیقاً با ارزش در معرض خطر شرطی چندگانه همه موسسات موجود در سیستم مالی که در بحران قرار دارند، برابر است. این امر بدان معنی است که متدولوژی ارزش شیپلی، ریسک سیستمیک کلی را به روشی کارآمد تقسیم می‌کند. این در حالی است که جمع هر ارزش در معرض خطر شرطی استاندارد، بزرگتر از ارزش در معرض خطر شرطی چندگانه همه موسسات مالی موجود در سیستم است که در بحران قرار گرفته‌اند. این موضوع بدان معنی است که اگر وضع قوانین، متناظر با ارزش در معرض خطر شرطی استاندارد صورت پذیرد، کل سیستم مالی بطور ضمنی مجازات می‌شوند زیرا قانون‌گذاری بر اساس ریسک سیستمیکی انجام شده که اساساً وجود ندارد. بنابراین، این اقدام و نحوه وضع مقررات حجم اعتباری بانک‌ها را کاهش داده و به اقتصاد واقعی آسیب خواهد رساند (چاو^۱، ۲۰۱۴) بر این اساس معرفی مفهوم ارزش شیپلی و استفاده از آن به عنوان معیار دقیقی برای شناسایی بانک‌هایی که دارای بیشترین اهمیت سیستمیکی می‌باشند نیز در این مقاله انجام شده است. این مقاله تلاش دارد تا به افزایش درک و شناخت در مورد خطر سیستمیک کمک نماید. سایر بخش‌های مقاله نیز به شرح زیر سامان یافته است. در بخش دوم ادبیات نظری مرتبط ارائه شده است. در بخش سوم پیشینه پژوهش مورد بررسی قرار گرفته و در بخش بعدی ادبیات نظری ارزش در معرض خطر شرطی چند متغیره (Multi-CoVaR) و روش ارزش شیپلی (Shapley) بیان شده است. در بخش پنجم مباحث نظری در خصوص نحوی تخمین مدل DCC_GARCH بسط داده شده است. بخش ششم نیز به تفصیل به بیان داده‌های مورد بررسی و نتایج حاصل از تخمین‌ها و برآوردها پرداخته و بخش هفتم و پایانی نیز به نتایج حاصل از این مقاله اختصاص یافته است.

۲. مبانی نظری

ریسک سیستمیک از فعالیت های بیش از حد پر ریسک یک یا گروهی از معامله گران، نوع تهاجمی از فرهنگ سازمانی (که بنگاه به سمت سودهای کوتاه مدت حرکت می کند)، عدم موفقیت جمعی مدیریت در بانک (یا در سراسر سیستم بانکی) زمانی که به بی تحرکی و عدم توانایی پاسخگویی به شرایط تغییر یافته اقتصادی و قرار گرفتن بیش از حد بانک ها در برابر همان نوع ریسک در کل سیستم منجر شود، اطلاق می شود.^۱ به عبارتی، ریسک سیستمیک ریسکی است که نکول یا بحران در یک یا تعدادی از بنگاه ها، به سایر بنگاه ها سرایت نموده و سقوط و بحرانی شدن کل سیستم مالی را موجب شود. ریسک سیستمیک را نمی توان صرفاً با محاسبه ریسک انفرادی هر موسسه برآورد و تحلیل نمود. حتی اگر تمامی موسسات موجود دارای ریسک اندک باشند، وجود رفتار دسته ای (گله ای)^۲ در بین نهادهای مالی می تواند کل مجموعه را دچار ریسک سیستمیک نماید (آریاس، مندوزا و ریان، ۲۰۱۰).^۳ تا قبل از بحران مالی سال ۲۰۰۸-۲۰۰۷ پیامدهای منفی ناشی از اعسار یک موسسه مالی بر سایر موسسات مالی و کل اقتصاد در مقررات بانکی ناظر بر بررسی و محاسبه ریسک موسسات مالی، در نظر گرفته نشده بود. ارزش در معرض خطر (VaR) به عنوان پرکاربردترین سنج محاسبه ریسک در موسسات مالی قادر به توصیف ماهیت سیستمیک ریسک نیست چرا که این سنج بر ریسک انفرادی و مجزای موسسه مالی متمرکز است. اولین روش برای محاسبه ارزش در معرض خطر، روش واریانس-کوارینانس است که با فرض وجود توزیع نرمال برای بازده ها محاسبه می شود. با این حال، استفاده از توزیع نرمال به کم برآوردی دنباله ها و عدم توجه به بیش بود مقادیر چولگی و کشیدگی توزیع های تجربی در قیاس با مقادیر واقعی آنها می انجامد. برای غلبه بر کاستی های فوق، روش شبیه سازی تاریخی که ساده ترین روش برای برآورد ارزش در معرض خطر با استفاده از یک پرتفوی فرضی مبتنی بر داده های تاریخی است، مورد استفاده قرار گرفته است. با

1 Smaga (2014)

2. Herding Behavior

3. Arias & Reyna (2010)

این وجود، این رویکرد مبتنی بر فرض تکرار تاریخ است، به عبارتی این روش بر فرض ثبات نوسانات بازده سهام در گذر زمان بنا شده است. این موضوع با شواهد تجربی مبنی بر اینکه بازده دارایی‌ها الگوهای خاصی مانند خوشه‌بندی نوسانات^۱ را دارا هستند، مغایر است. مدل ARCH و متعاقب آن مدل GARCH برای رفع این مشکلات در خصوص خوشه‌بندی در داده‌های مالی معرفی شدند. مدل گارچ تک متغیره فرض می‌کند که نوسانات در طول دوره در بین متغیرها ثابت است لذا؛ همبستگی بین سری‌های زمانی چندگانه را در نظر نمی‌گیرد. سنج‌های همبستگی خطی مانند همبستگی پیرسون، همبستگی کلی را نشان می‌دهد ولی همبستگی پویا را در نظر نمی‌گیرد. مدل CCC_GARCH نواقص مدل گارچ یک متغیره را برطرف کرده ولی یک مدل واقع‌گرایانه نیست، زیرا همبستگی را ثابت در نظر می‌گیرد درحالی که در واقع چنین نیست. انگل یک مدل پویا بر مبنای مدل CCC پیشنهاد نمود که همبستگی شرطی را در طول زمان متغیر در نظر می‌گیرد.

محاسبه میزان مشارکت هر یک از موسسات در ریسک سیستمیک کل می‌تواند به شناسایی موسساتی که سهم بیشتری در ریسک سیستمیک کل سیستم دارند، کمک نماید. الزامات نظارتی دقیق‌تر بر این گروه از موسسات، می‌تواند تمایل به ایجاد ریسک سیستمیک را متوقف نموده یا حداقل کاهش دهد. در عمل دو روش برای اندازه‌گیری میزان مشارکت یک موسسه مالی در ریسک کل سیستم وجود دارد. رویکرد اول به اطلاعات در خصوص موقعیت و میزان قرار گرفتن موسسه در معرض ریسک تعلق دارد. این اطلاعات محرمانه توسط بنگاه‌های مالی به مراجع ذیصلاح طبق قانون و مقررات ارایه می‌شود. رویکرد دوم فقط به داده‌های بازارهای عمومی مانند بازده سهام، قیمت‌های اختیار معامله و متکی است (بنویت و همکاران (۲۰۱۳)^۲). ۴ نمونه برجسته از این سنج‌ها که مبتنی بر رویکرد دوم هستند، عبارتند از: کمبود انتظاری حاشیه‌ای (MES)^۳ و کمبود

1. Volatility Clustering

2. Benoit et al. (2013)

3. Marginal Expected Shortfall (MES)

انتظاری سیستمیک (SES)^۱ آچاریا و دیگران (۲۰۱۰)^۲، معیار ریسک سیستمیک (SRISK)^۳ آچاریا، انگل و ریچاردسون (۲۰۱۲)^۴ و برونلس و انگل (۲۰۱۲)^۵ و دلتا ارزش در معرض خطر شرطی (ΔCOVaR)^۶ آدریان و برونرمر (۲۰۱۱)^۷.

در این مقاله از تعریف COVaR که توسط آدریان و برونرمر (۲۰۰۹)^۸ معرفی گردید، استفاده می شود. COVaR به عنوان ارزش در معرض خطر (VaR) موسسه مالی مشروط به ارزش در معرض خطر موسسه دیگر تعریف می شود. اگر COVaR نسبت به VaR افزایش داشته باشد، این امر وجود اثر ریسک سر ریز^۹ بین موسسات را تایید می نماید. با تعریف اختلاف بین این سنجه های COVaR به عنوان ΔCOVaR می توان میزان مشارکت هر موسسه در ریسک سیستمیک بازار را بدست آورد. تحقیق در مورد ریسک سیستمیک عمدتاً از منظر بحران انجام می شود، تا با تجزیه و تحلیل ریسک های سیستمیک بتوان آثار هجوم سپرده گذاران به بانک ها و عملیات بانکی در زمان بحران را بررسی نمود. تجزیه و تحلیل نوسانات و همبستگی دارایی ها، نقطه اصلی مباحث در مدیریت پرتفوی می باشد. ادبیات مرتبط با همبستگی بازار سهام نشان می دهد که با توجه به داده های موجود و اهداف تحقیق، روش های مختلفی برای بررسی این موضوع بکار گرفته شده است. معرفی مدل ARCH راه را برای معرفی مدل GARCH هموار کرد. مدل GARCH یک متغیره فرض می کند که نوسانات بین متغیرها در دوره مورد بررسی، ثابت است. این مدل نمی تواند همبستگی بین سری های زمانی چند گانه را توصیف نماید. طبق گفته های آلوز، نوگالس و رویز (۲۰۰۹) اولین تصمیمی که در پیش بینی ارزش در معرض خطر یک پرتفوی می بایست اتخاذ گردد، این است که آیا از یک مدل چند متغیره برای سیستم بازده

1. Systemic Expected Shortfall (SES)
2. Acharya et al. (2010)
3. Systemic Risk Measure (SRISK)
- 4- Acharya et al. (2012)
5. Brownlees & Engle (2012)
6. Delta Conditional Value-at-Risk (∇COVaR)
7. Adrian & Brunnermeier (2011)
8. Adrian & Brunnermeier (2009)
9. Risk Spillover Effects

دارایی‌های فردی استفاده شود یا به جای آن از یک فرآیند یک متغیره برای بازده‌های پرتفوی استفاده نمود.

تخمین مدل‌ها از نوع ARCH معمولاً بوسیله روش حداکثر راستنمایی و با اعمال فروض اضافی در مورد فرآیند جملات خطا مانند تابع چگالی احتمال $D(0,1)$ با میانگین صفر و واریانس ۱- انجام می‌شود. ویز (۱۹۸۶)^۱، بولرسلف و وودریج (۱۹۹۲)^۲ نشان دادند که تحت فرض نرمال بودن و در صورت تصریح صحیح میانگین و واریانس شرطی، برآوردکننده شبه حداکثر راستنمایی^۳ (QML) سازگار است. انگل، گونزالس و ریورا (۱۹۹۱)^۴ نشان دادند که این تخمین‌زننده تا حدی ناکارا هستند و درجه ناکارایی آن به میزان انحرافش از نرمال بودن، افزایش می‌یابد. در تحقیقات بسیاری نشان داده شد که توزیع‌های پهن دنباله برای توصیف داده‌ها با کشیدگی بزرگتر دارای عملکرد بهتری هستند (بولرسلف (۱۹۸۷)^۵، هسیه (۱۹۸۹)^۶، بایلی و بولرسلف (۱۹۸۹)^۷ و پالم و ولار (۱۹۹۷)^۸). ضعف اصلی توزیع‌های نرمال و t -استیودنت در آن است که اگر تخمین حداکثر راستنمایی با فرض وجود این توزیع‌ها انجام شود حتی با در نظر گرفتن وجود دنباله پهن نیز آنها متقارن خواهند بود.

در این مقاله برای برآورد ارزش در معرض خطر شرطی از روش DCC-GARCH انگل (۲۰۰۲) استفاده شده است. گرچه تخمین این مدل به صورت یک مرحله‌ای قابل انجام است ولی با افزایش سری‌های زمانی و پارامترهایی که می‌بایست برآورد گردند، این شیوه در عمل قابلیت اجرا ندارد. لذا برآورد بر اساس روش دو مرحله‌ای انجام می‌شود. در مرحله اول مدل‌های بی‌ثباتی تک متغیره تخمین زده شده و در مرحله بعدی پارامترهای

1. Weiss (1986)
2. Bollerslev & Wooldridge (1992)
3. Quasi-Maximum Likelihood (QML)
4. Engle et al. (1991)
5. Bollerslev (1987)
6. Hsieh (1989)
7. Baillie & Bollerslev (1989)
8. Palm & Vlaar (1997)

ماتریس همبستگی مشروط به برآوردهای مرحله اول تخمین زده می شوند. ضمن اینکه برای در نظر گرفتن ویژگی دنباله های پهن در داده های مالی، با انجام آزمون های مناسب، مدل صحیح انتخاب شده و بر اساس مدل صحیح مقدار ارزش در معرض خطر شرطی کل سیستم مشروط به وجود بحران در هر یک از بانک های مورد بررسی محاسبه شده است. ارزش در معرض خطر شرطی مجدداً با روش رگرسیون کوانتایل بدست آمده و از آن برای محاسبه ارزش شییلی بهره گرفته شده است.

۳. پیشینه تحقیق

بخشی از ادبیات نظری به معرفی و ارائه معیارهایی برای محاسبه میزان ریسک سیستمیک اختصاص یافته است. در ادبیات اقتصادی تعیین میزان ریسک سیستمیک از دو منظر اقتصاد کلان و اقتصاد خرد بررسی شده است. رویکرد اقتصاد کلان بر مشارکت هر موسسه انفرادی در ریسک سیستمیک تمرکز دارد در حالی که رویکرد اقتصاد خرد بر نحوه واکنش هر موسسه انفرادی به شوک های سیستمیک متمرکز شده است. این دو رویکرد مختلف، از معیارهای ریسک متفاوتی نیز استفاده می کنند. با توجه به اینکه در این مقاله رویکرد اقتصاد کلان به بررسی ریسک سیستمیک مورد توجه بوده است، پیشینه این رویکرد به اختصار بررسی می شود. پس از بحران مالی، محققان و پژوهشگران تحقیقات زیادی را راجع به ریسک سیستمیک و اندازه گیری آن با استفاده از روش هایی مانند COVaR, MES, CCA و سایر مدل ها انجام دادند.

۳-۱. پیشینه مطالعات خارجی

آدریان و برونرمر (۲۰۱۴)^۱ از روش COVaR برای اندازه گیری شدت سرایت ریسک یک موسسه مالی به سایر موسسات مالی و سهم موسسات مالی در ریسک سیستمیک استفاده نمودند. جیراردی و ارگون^۲ در سال ۲۰۱۳ تعریف COVaR را اصلاح کردند و

1. Adrian & Brunnermeier (2014)
2. Girardi & Ergün (2013)

ریسک سیستمیک یک سازمان را به عنوان تغییرات COVaR در بحران‌های مالی تعریف کردند و سپس ارتباط میان ریسک سیستمیک و ویژگی‌های آن را در چهار گروه صنعت مالی بررسی نمودند. دربالی و هالارا (۲۰۱۵)^۱ از مدل MES برای اندازه‌گیری ریسک سیستمیک موسسات مالی اروپا استفاده کردند. گریب (۲۰۱۵)^۲ برای نشان دادن ریسک نقدینگی، از یک مدل عوامل غیرخطی و مدل رگرسیون لاجستیک استفاده کرد تا احتمال تاثیرگذاری ریسک‌های سیستمیک را بر صندوق‌های پوشش^۳ ریسک نشان دهد. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که ریسک سیستمیک این دسته از صندوق‌ها در حال افزایش است. رِبوردو و اوگولینی (۲۰۱۵)^۴ از روش COVaR برای اندازه‌گیری ریسک سیستمیک بحران بدهی مستقل بازارهای منطقه اروپا پس از بحران بدهی یونان استفاده کردند و دریافتند که خطر ریسک سیستمیک در همه کشورها قبل از بحران مشابه بوده است. نتایج آنها نشان داد که ریسک سیستمیک در تمامی بازارهای بدهی اروپا پس از بحران کاهش یافته است. برونلس و انگل (۲۰۱۶)^۵ SRISK را برای اندازه‌گیری سهم ریسک سیستمیک در شرکت‌های مالی معرفی کردند و بر این اساس یک رتبه‌بندی برای موسسات در مراحل مختلف بحران ارائه نمودند. لین و همکاران (۲۰۱۶)^۶ از SRISK, MES, COVaR و سایر روش‌ها برای مطالعه میزان مواجهه با ریسک‌های سیستمیک موسسات مالی و سهم ریسک هر یک از موسسات در بازار مالی استفاده کردند و برای سنجش تجربی آن نیز، داده‌های موسسات مالی تایوان را مورد سنجش قرار دادند. یکی از یافته‌های اصلی آدریان و برونرمر (۲۰۱۶) آن است که به دلیل عدم وجود همبستگی بین VaR و Δ COVaR در داده‌های مقطعی برای یک موسسه، این دو سنجه اطلاعات یکسانی ارائه نمی‌کنند.

1. Derbali & Hallara (2015)
2. Grieb (2015)
3. Hedge Funds
4. Reboredo & A Ugolini (2015)
5. Brownlees & Engle (2016)
6. Lin et al. (2016)

بخش دیگری از ادبیات نظری نیز به سنجش اهمیت موسسات مالی در یک سیستم از منظر سهم ریسک سیستمیک پرداخته است. در این خصوص در یک مطالعه پیشگام، آدریان و برونر میر (۲۰۰۹) روش ارزش در معرض خطر شرطی (COVaR) را برای محاسبه ریسک سیستمیک در بازار مالی آمریکا ارائه کردند. برای محاسبه مشارکت بنگاه های فردی در ریسک سیستمیک، آنها مفهوم ΔCOVaR را به صورت تفاوت بین COVaR سیستم مالی مشروط به اینکه موسسه مورد نظر در بحران باشد و COVaR همان سیستم مالی مشروط به اینکه موسسه مورد نظر در حالت نرمال باشد، تعریف کردند. درهمن و تاراشف (۲۰۱۱)^۱ از رویکرد تجزیه ارزش شیلی برای اندازه گیری اهمیت سیستمی هر یک از نهادها استفاده نمودند. این رویکرد با شبیه سازی سیستم بانکی، سهم ریسک هر بانک را به عنوان میانگین وزنی اثری که به هر زیرسیستم اضافه می کند، تعریف می کند. بانولسکو و دیمیترسکو (۲۰۱۵)^۲ از معیار ریزش انتظاری جزء (CES) برای شناسایی موسسات مالی مهم سیستمی در ایالات متحده استفاده کردند. بر اساس روش پیشنهادی آنها، ریسک کل سیستم مالی که با روش ریزش مورد انتظار برآورد شده، تجزیه شده و بر اساس ویژگی های هر یک از نهادهای مالی به آنها اختصاص می یابد. کاریمالیس و نومیکوس (۲۰۱۷)^۳ سهم ریسک سیستمیک در بانک های بزرگ اروپایی را بر اساس مدل کاپولا^۴ و COVaR مورد بررسی قرار دادند. کلمنت (۲۰۱۸)^۵ از یک مدل بر مبنای نظریه مقدار حدی (EVT)^۶ برای تجزیه و تحلیل سهم یک موسسه مالی در شکل گیری ریسک سیستمیک استفاده نمود و ارتباط میان ریسک سیستمیک یک موسسه مالی با کل سیستم مالی را مشخص کرد.

1. Drehmann & Tarashev (2011)
2. Banulescu & Dumitrescu (2015)
3. Karimalis & Nomikos (2017)
4. Copula
5. AD Clemente (2018)
6. Extreme Value Theory (EVT)

تجزیه و تحلیل نوسانات و همبستگی دارایی‌ها نیز از دیگر مباحث مورد توجه محققان در سال‌های اخیر بوده است. ادبیات مرتبط با همبستگی بازار سهام نشان می‌دهد که با توجه به داده‌های موجود و اهداف تحقیق، روش‌های مختلفی برای بررسی این موضوع بکار گرفته شده است. دسته‌های مختلفی از مدل‌های GARCH چند متغیره در ادبیات اقتصادی ارائه شده است. در این مدل‌ها به جای استفاده از واریانس‌های شرطی، همبستگی‌های شرطی مورد توجه قرار می‌گیرد. بولرسلف (۱۹۹۰)^۱ یک دسته از مدل‌های GARCH چند متغیره را ارائه نمود که در آنها همبستگی‌های شرطی ثابت هستند و در نتیجه واریانس‌های شرطی با حاصل ضرب انحراف استانداردهای شرطی متناظر متناسب هستند. فرض ثابت بودن همبستگی‌های شرطی یک فرض غیر واقعی به نظر می‌رسید، لذا محققانی همچون لونجین و سولنیک (۱۹۹۵)^۲، تسه (۲۰۰۰)^۳، انگل و شپارد (۲۰۰۲)^۴ و تسه و تسوی (۲۰۰۲)^۵ نشان دادند که همبستگی‌ها در طول زمان ثابت نیستند. بنابراین انگل (۲۰۰۲)^۶ و تسه و تسوی (۲۰۰۲) مدل همبستگی شرطی ثابت بولرسلف را گسترش داده و مدلی ارائه کردند که در آن ماتریس همبستگی شرطی، وابسته به زمان است. این مدل با نام مدل همبستگی شرطی پویا (DCC) شناخته می‌شود. بیلو و همکاران (۲۰۰۵)^۷ و اورسکاوگ (۲۰۰۹)^۸ برای بررسی و تحلیل نوسانات سری‌های زمانی در مواقعی که نوسانات در طول زمان تغییر می‌کنند از مدل‌های DCC-GARCH چندمتغیره استفاده نمودند. یو و همکاران (۲۰۱۰)^۹ از یک مدل DCC-GARCH برای تجزیه و تحلیل همبستگی بین ۱۱ بازار

1. Bollerslev (1990)
2. Longin & Solnik (1995)
3. Tse (2000)
4. Engle & Sheppard (2001)
5. Tse & Tsui (2002)
6. Engle (2002)
7. Billio et al. (2005)
8. Orskaug (2009)
9. Yu et al. (2010)

استفاده کردند. نتایج آنها یک اثر سرایت قوی از اقتصاد آمریکا به اقتصاد کشورهای آسیایی در بحران سال ۲۰۰۷ را نشان داد. وانات و دنکوسکا (۲۰۱۸)^۱ با استفاده از مدل copula-DCC-GARCH به تجزیه و تحلیل وابستگی در بین ۸ شرکت بیمه ای شامل ۵ شرکت اروپایی و ۳ شرکت از آمریکا، کانادا و چین و سهم آنها در ریسک سیستمیک در بخش بیمه پرداختند. هدف اصلی آنها تجزیه و تحلیل ساختار مشروط همبستگی در بازار بیمه اروپا و مقایسه ریسک سیستمیک در رژیم های مختلف این بازار است. این مطالعه در دو مرحله انجام شد. مرحله اول شامل شناسایی رژیم های بازار بیمه اروپا بود، در حالی که در مرحله دوم، همبستگی های مشروط بین شرکت ها، وابستگی های بین هر بیمه گر و بازار بیمه اروپا و همچنین تأثیر شرکت های بیمه در ریسک سیستمیک بازار بیمه اروپا مورد بررسی قرار گرفت. رژیم ها با پایش نرخ بازده هفتگی شرکت های مورد بررسی و با استفاده از روش های خوشه بندی آماری شناسایی شدند. در هر یک از رژیم های مشخص شده در بازار، معیار ارزش در معرض خطر شرطی برای سنجش ریسک مورد استفاده قرار گرفت. نتایج نشان داد که کلیه شرکت های بیمه، دارای همبستگی مثبت بوده و این همبستگی در مواقع تلاطم در بازارهای جهانی قویتر است. این امر حاکی از آن است که بخش بیمه اروپا در زمان بحران، در معرض ریسک سیستمیک بیشتری قرار دارد. علاوه بر این، ملاحظه شد که بین مقادیر CoVaR در رژیم های عادی و بحرانی در مورد همه شرکت های بیمه تفاوت وجود دارد و مقدار ریسک در شرایط بحرانی بسیار بالاتر از شرایط عادی است. اندرسون و لندسکوگ (۲۰۱۹)^۲ توانایی پیش بینی مدل DCC-GARCH را بررسی کردند. نتایج نشان داد که این مدل حرکت نوسان در همبستگی های شرطی را به طور دقیق پیش بینی کرده است، اگرچه مقادیر پیش بینی شده چندان صحیح نیست و کمتر از مقادیر واقعی پیش بینی می شود. لیو و همکاران (۲۰۲۰)^۳ با هدف اندازه گیری و پیش بینی ریسک سیستمیک در بازارهای مالی جهانی و همچنین ایجاد یک مدل تصمیم گیری تجاری برای

1. Wanat & Denkowska (2018)
2. Andersson & Lindskog (2019)
3. Liu et al. (2020)

سرمایه‌گذاران و موسسات مالی، مدل‌های $GJR-GARCH(1,1)$ ، کاپولا-گارچ و اجزای ریزش انتظاری (CES)^۱ را با یکدیگر ترکیب نمودند. استفاده از مدل‌های مبتنی بر عامل کاپولا، برآورد گام به گام مدل‌های مشترک را میسر نموده و در نتیجه میزان محاسبات را کاهش می‌دهد. نتایج حاصله توانایی مدل‌های عامل کاپولا را در ثبت وابستگی دنباله‌ای حتی در دوران بحرانی را تأیید نمود. ضمن اینکه ریزش انتظاری، سطح بالاتری از ریسک را برای دوره‌های بحرانی در قیاس با دوره‌های دیگر را نشان داد. آنها برای پیش از بحران تا پس از بحران، تغییرات ساختاری در ریسک سیستمیک مشاهده نمودند. نتایج نشان داد که اجزای ریزش انتظاری ایالات متحده به کاهش خود ادامه داده ولی کماکان بیش از ۶۰٪ به ریسک سیستمیک کمک نموده است.

۳-۲. پیشینه مطالعات داخلی

دانش جعفری، بت‌شکن و پاشازاده (۱۳۹۵) برای بررسی ریسک سیستمیک در نظام بانکی، ارزش در معرض خطر را با استفاده از مدل همبستگی شرطی پویا و رگرسیون کوانتایل محاسبه نمودند. نتایج نشان داد که مدل همبستگی پویا در مقایسه با رگرسیون کوانتایل، نتایج واقع‌بینانه‌تری ارائه می‌کند. برخلاف مطالعات انجام شده خارجی، نتایج دو شاخص ریسک سیستمیک برای ایران یکسان نیست. رستگار و کریمی (۱۳۹۵) در مقاله خود به تخمین ریسک سیستمیک در صنعت بانکداری (شامل ۷ بانک) و با رویکرد CoVaR پرداختند. نتایج مقاله نشان داد که در دوره مورد بررسی بانک‌های تجارت، ملت، انصار، صادرات، پست بانک، پارسیان و اقتصاد نوین به ترتیب بیشترین تأثیر را بر کل سیستم از نظر ریسک سیستمیک دارا می‌باشند. نتایج بررسی آنها نشان داد که فرضیه ثابت بودن همبستگی شرطی طی زمان رد می‌شود. دانش جعفری و دیگران (۱۳۹۶)، برای بررسی ریسک سیستمیک نظام بانکی، شاخص کسری مورد انتظار نهایی را با استفاده از الگوی همبستگی شرطی پویا (DCC) محاسبه نموده و آنها را رتبه‌بندی کردند. طبق نتایج مقاله، در زمان وقوع بحران‌های مالی جهانی، بانک‌های داخلی از آن تأثیر نپذیرفته‌اند. با

1. Component Expected Shortfall (CES)

توجه به اینکه بانک های ملت و صادرات بیشترین ارزش دارایی ها را دارند، بیشترین سهم را نیز در بروز ریسک سیستمیک بر عهده داشته اند. حکمتی فرید و دیگران (۱۳۹۷) با بکارگیری روش ارزش در معرض خطر شرطی تفاضلی ارائه شده توسط آدریان و برونر میر و با استفاده از داده های بخش های مالی بانک، بورس و بیمه طی سالهای ۱۳۷۴-۱۳۹۴ ریسک سیستمی را برآورد کردند. آزمون های پسین، بیانگر اختلاف معنادار ریسک سیستمی با جمع جبری ریسک هر یک از زیربخش های مالی بانک، بیمه و بورس است. صنعت بیمه بیشترین و بخش بانکی کمترین سهم را در ایجاد ریسک سیستمی در دوره مذکور داشته اند. مهدوی کلیشمی و دیگران (۱۳۹۶) با استفاده از معیار تغییرات ارزش در معرض خطر شرطی، ریسک سیستمی در بخش بانکداری ایران و برای ۱۷ بانک را بررسی کردند. طبق نتایج حاصله بانک های خاورمیانه و سرمایه به ترتیب بیشترین و کمترین مقدار تغییرات ارزش در معرض خطر شرطی را دارا هستند. ابریشمی و همکاران (۱۳۹۸) ریسک سیستمیک را برای ۱۵ بانک فعال در بازار سرمایه برای دوره ۱۳۹۲/۰۲/۱۴ تا ۱۳۹۷/۰۶/۱۴ بر مبنای معیارهای MES، $\Delta COVaR$ و SRISK محاسبه نمودند. پس از محاسبه شاخص ها، با استفاده از تحلیل های همبستگی و رگرسیونی، اثر برخی متغیرهای کلان اقتصادی، بر روی شاخص ها برآورد گردید. نتایج حاصله نشان داد، ریسک سیستمیک تنها معطوف به بانک های بزرگ نبوده و بانک های کوچک نیز در پیدایش و گسترش این ریسک نقش دارند. محاسبات نشان داد که بر اساس دو معیار MES و $\Delta COVaR$ ریسک سیستمیک در بازه مورد بررسی روند نزولی را طی کرده در حالی که طبق معیار SRISK و تاثیرپذیری آن از ارزش دفتری برخی متغیرهای مالی، این شاخص همواره صعودی بوده است.

عیوضلو و رامشگ (۱۳۹۸) ریسک سیستمیک را برای ۱۱ بانک تجاری با دو روش ریزش نهایی مورد انتظار و ارزش در معرض خطر شرطی و با استفاده از الگوی نوسان شرطی پویا برآورد کردند. طبق معیار میانگین ریزش نهایی بانک های دی، سرمایه، سینا، اقتصاد نوین، انصار، ملت، تجارت، صادرات، کارآفرین، پاسارگاد و پارسیان به ترتیب بیشترین تاثیر را بر ریسک سیستمیک دارند. در حالی که طبق معیار میانگین ارزش در معرض خطر شرطی

بانک‌های سرمایه، دی، سینا، انصار، اقتصاد نوین، صادرات، ملت، تجارت، پارسیان، پاسارگاد و کارآفرین بیشترین تاثیر را بر ریسک سیستمیک داشته‌اند. البته مقدار ریسک محاسبه شده با دو معیار فوق الذکر متفاوت از یکدیگر است برای نمونه مقدار ریسک سیستمیک بانک سینا با معیارهای میانگین ریزش نهایی و میانگین ارزش در معرض خطر شرطی به ترتیب برابر با ۰/۱۵۵۴ و ۰/۳۴۸۸۴ است. به طور کلی مقدار ریسک سیستمیک محاسبه شده بر اساس معیار میانگین ریزش نهایی بزرگتر از مقادیر بدست آمده بر اساس معیار میانگین ارزش در معرض خطر شرطی است. صیادی و کریمی (۱۳۹۸) به مدلسازی وابستگی بین سهام گروه محصولات شیمیایی، رشد قیمت نفت و رشد نرخ ارز پرداختند. آنها وابستگی خطی، وابستگی غیرخطی، و وابستگی به دم بالایی و پائینی را مورد بررسی قرار دادند. ابتدا توزیع‌های حاشیه‌ای با استفاده از رهیافت GJR-GARCH مدلسازی شدند، سپس با بهره‌گیری از رهیافت copula-GARCH بررسی ساختارهای وابستگی و محاسبه ارزش در معرض ریسک انجام شد. نتایج نشان داد هر جفت از بازدهی‌ها، وابستگی یکسانی به دنباله بالایی و پائینی دارد. همچنین مشخص شد که بین متغیرهای مورد بررسی ساختار مشخص و مقارنی در دنباله‌های توزیع وجود دارد که وجود سرایت بین آنها را نشان می‌دهد.

در این مقاله برای بررسی همبستگی متغیر در زمان علاوه بر مدل DCC-GARCH با توزیع نرمال که در سایر مقالات مورد استفاده قرار گرفته است، مدل DCC-GARCH طبق توزیع student-t نیز - که برای توصیف ویژگی دنباله‌های پهن شایع در داده‌های سری‌های زمانی مالی مناسب است - برآورد شده است. این دو مدل با یکدیگر مقایسه شده و با توجه به مقدار لگاریتم لایکلی‌هود و همچنین درجه آزادی مشاهده شده، مدل DCC_student_t نسبت به مدل DCC_normal ارجحیت دارد. ضمن اینکه در این مقاله ارزش شیپلی به عنوان توزیع‌کننده ریسک سیستمیک معرفی شده و به عنوان یک قانون تخصیص برای اختصاص سهم هر موسسه مالی از ریسک سیستمیک کلی مورد استفاده قرار گرفته است. ارزش شیپلی یک قانون تخصیص عادلانه و کارآمد برای تسهیم کردن

منافع یا هزینه های موجود بین عاملین است و ارزش شیپلی یک عامل برابر است با متوسط سهم حاشیه ای انتظاری عامل با در نظر گرفتن همه ترکیب های ممکن از عوامل. ارزش شیپلی را می توان در حالتی که موسسات مالی در یک بازار مالی با فعالیتهای ریسکی، مرتبط به یکدیگر بوده و این موضوع باعث ایجاد ریسک سیستمیک در سیستم می شود، بکار بست.

۴. مدل تحقیق و روش برآورد

۴-۱. ارزش در معرض خطر شرطی (CoVaR)

می دانیم که ارزش در معرض خطر به صورت پاسخ معادله زیر تعریف می شود:

$$(r_t \leq \text{VaR}_t^q) = q \quad (1)$$

که در آن VaR_t^q ، کوانتایل q ام بازدهی (r_t) است. با این تعریف ذکر شده، VaR_t^q معمولاً عددی منفی است. آدریان و برونرمر (۲۰۱۱) $\text{CoVaR}_{q,t}^{\text{sys}|i}$ را به صورت ارزش در معرض خطر سیستم مالی مشروط بر وقوع رویداد $C(r_t^i)$ موسسه i در زمان t تعریف کردند. به عبارت دیگر، $\text{COVaR}_{q,t}^{\text{sys}|i}$ برای یک سیستم مالی و در سطح اطمینان q زمانی که موسسه i در زمان t در رویداد $C(r^i)$ است به صورت زیر تعریف می شود:

$$\mathbb{P}(r_t^{\text{sys}} \leq \text{CoVaR}_{q,t}^{\text{sys}|C(r_t^i)} | C(r_t^i)) = q \quad (2)$$

و سهم موسسه i ام در سیستم با فرمول زیر محاسبه می شود:

$$\Delta \text{CoVaR}_{q,t}^{\text{sys}|i} = \text{CoVaR}_{q,t}^{\text{sys}} \left(r_t^i \in \{ \text{adverse case}^i \} \right) - \text{CoVaR}_{q,t}^{\text{sys}} \left(r_t^i \in \{ \text{normal case}^i \} \right) \quad (3)$$

در عمل، از $\{r^i = \text{VaR}_q^i\}$ به عنوان رخداد شرطی استفاده می شود و نمادها به صورت زیر خلاصه می شوند:

$$\begin{aligned} CoVaR_{q,t}^{(sys|r^i = VaR_q^i)} &= CoVaR_q^i \\ \Delta CoVaR_{q,t}^{(sys|i)} &= \Delta CoVaR_q^i \end{aligned} \quad (۴)$$

در حالت‌های نرمال $\{r^i = \text{Median}^i\}$ نشان‌دهنده رویداد شرطی بوده و برای ارزش در معرض خطر شرطی از عبارت $CoVaR_{q,t}^{sys|r^i = \text{Median}^i}$ استفاده می‌شود. بنابراین $\Delta CoVaR_q^i$ اختلاف بین ارزش در معرض خطر سیستم، مشروط بر اینکه موسسه مالی i آن سیستم در یک رویداد حدی باشد و ارزش در معرض خطر سیستم، مشروط بر اینکه موسسه مالی i آن در شرایط نرمال باشد را نشان می‌دهد.

۴-۲. ارزش در معرض خطر شرطی چند متغیره (Multi-CoVaR)

در قسمت قبل به تعریف آدریان و برنرمیر از ارزش در معرض خطر اشاره شد. آنها $\Delta CoVaR$ را به عنوان یک سنج سیستمیک برای تعیین مقدار اثرات ریسک سرریز - بدین معنا که اگر یک موسسه خاص در بحران مالی باشد چه اثری بر کل سیستم خواهد گذاشت - پیشنهاد کردند. با این وجود، در طول بحران مالی ممکن است چند موسسه به طور همزمان در مضیقه مالی و بحران باشند، بنابراین می‌توان تعریف ارزش در معرض خطر شرطی را به شکل زیر گسترش داد:

تعریف ۱: $CoVaR_{q,t}^{1,...,S}$ ، ارزش در معرض خطر یک سیستم مالی مشروط به رویدادهای $\{C(r_t^1), \dots, C(r_t^S)\}$ با مجموعه موسسات $\{1, \dots, S\}$ در زمان t می‌باشد. $CoVaR_{q,t}^{1,...,S}$ یک سیستم مالی در سطح اطمینان q و با مجموعه موسسات $\{1, \dots, S\}$ با رخداددهای $\{C(r_t^1), \dots, C(r_t^S)\}$ در زمان t به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$\mathbb{P}\left(r_t^{sys} \leq CoVaR_{q,t}^{1,...,S} \mid C(r_t^1), \dots, C(r_t^S)\right) = q \quad (۵)$$

سهم موسسات $\{1, \dots, S\}$ در سیستم مالی به صورت زیر تعیین می‌شود:

$$\begin{aligned} \Delta CoVaR_{q,t}^{1,...,S} &= CoVaR_{q,t}^{r^1 \leq VaR_q^1, \dots, r^S \leq VaR_q^S} \\ &\quad - CoVaR_{q,t}^{-\alpha \sigma_t^1 \leq r_t^1 \leq \alpha \sigma_t^1, \dots, -\alpha \sigma_t^S \leq r_t^S \leq \alpha \sigma_t^S} \end{aligned} \quad (۶)$$

بر خلاف آنچه ذکر شده، در حالت های غیر نرمال $\{r_t^i \leq VaR_{q,t}^i\}$ $i=1, \dots, S$ را به عنوان رویداد شرطی به کار برده و نمادها به صورت زیر ساده می شوند:

$$CoVaR_{q,t}^{sys|r_t^1 \leq VaR_{q,t}^1, \dots, r_t^S \leq VaR_{q,t}^S} = ACVaR_{q,t}^S \quad (7)$$

در حالت نرمال نیز بر $\{-\alpha\sigma_t^i \leq r_t^i \leq \alpha\sigma_t^i\}$ $i=1, \dots, S$ به عنوان رویداد شرطی تمرکز نموده و عبارات به شکل ذیل ساده می گردد:

$$CoVaR_{q,t}^{-\alpha\sigma_t^1 \leq r_t^1 \leq \alpha\sigma_t^1, \dots, -\alpha\sigma_t^S \leq r_t^S \leq \alpha\sigma_t^S} = NCoVaR_{q,t}^S \quad (8)$$

حالت نرمال حالتی است که انحراف استاندارد به میزان α حول مد داشته باشد. همچنین فرض شده که مد برابر صفر و σ_t^i انحراف استاندارد شرطی موسسه i ام است. واضح است که

$$\Delta CoVaR_q^{sys|1, \dots, S} = ACVaR_{q,t}^S - NCoVaR_{q,t}^S$$

به عبارتی

$$\Delta CoVaR_q^{sys|1, \dots, S} = \Delta CoVaR_q^S$$

بنابراین $\Delta CoVaR_q^S$ اختلاف بین ارزش در معرض خطر سیستم در حالتی که مجموعه موسسات مالی $\{1, \dots, S\}$ آن در رویدادهای حدی هستند با ارزش در معرض خطر سیستم مذکور در حالتی که مجموعه موسسات $\{1, \dots, S\}$ آن در شرایط نرمال هستند را در یک زمان مانند t نشان می دهد.

ارزش در معرض خطر شرطی چند متغیره تقریباً مشابه ارزش در معرض خطر شرطی استاندارد می باشد. هر دو آنها اثرات سرریز را با توجه به مقداری که موسسه (یا موسسات) به ریسک کلی سیستم اضافه می کنند، می سنجند. نکته قابل توجه این است که ارزش در معرض خطر شرطی چند متغیره تاثیرات اضافی را بدست می آورد و سهم ریسک سیستمیک مجموعه بانک های ورشکسته را محاسبه می کند.

۴-۳. محاسبه ارزش در معرض خطر شرطی چند متغیره Multi-CoVaR

همانند محاسبه ارزش در معرض خطر برای یک موسسه، برای بدست آوردن ارزش در معرض خطر شرطی چند متغیره به محاسبه $ACVaR_{q,t}^S$ و $NCoVaR_{q,t}^S$ برای

مجموعه ای از موسسات پرداخته می شود تا $\Delta CoVaR_q^S$ دست یابد. معادله (۵) را می توان به شکل زیر بازنویسی کرد:

$$\frac{\mathbb{P}(r_t^{sys} \leq CoVaR_{q,t}^{1,\dots,S}, C(r_t^1), \dots, C(r_t^S))}{\mathbb{P}(C(r_t^1), \dots, C(r_t^S))} = q \quad (9)$$

جهت محاسبه $ACoVaR_{q,t}^S$ ، رویداد شرطی $C(r_t^i)$ را با $\{r_t^i \leq VaR_{q,t}^i\}$ جایگزین می کنیم. از آنجا که $VaR_{q,t}^i$ به سادگی به دست می آید؛ بنابراین می توان مخرج کسر معادله (۵) را که یک احتمال مشترک با مقدار q_d است، محاسبه نمود (d به مخرج کسر اشاره دارد).

(۱۰)

$\int_{-\infty}^{VaR_{q,t}^1} \dots \int_{-\infty}^{VaR_{q,t}^S} D_{S,t}(r_t^1, \dots, r_t^S) dr_t^1 \dots dr_t^S = q_d$
 $D_{S,t}(\cdot)$ تابع چگالی احتمال بردار تصادفی S بعدی $r_{S,t} = (r_t^1, \dots, r_t^S)'$ است. بنابراین صورت کسر معادله (9) را می توان به شکل زیر نوشت:

(۱۱)

$$\int_{-\infty}^{ACoVaR_{q,t}^S} \int_{-\infty}^{VaR_{q,t}^1} \dots \int_{-\infty}^{VaR_{q,t}^S} D_{S+1,t}(r_t^{sys}, r_t^1, \dots, r_t^S) dr_t^{sys} dr_t^1 \dots dr_t^S = q \times q_d$$

که $D_{S+1,t}(\cdot)$ تابع چگالی احتمال بردار تصادفی S+1 بعدی $r_{S+1,t} = (r_t^{sys}, r_t^1, \dots, r_t^S)'$ است. چون $ACoVaR_{q,t}^S$ تنها متغیر نامشخص معادله است، پس می توان پاسخ معادله (11) را بدست آورد. با توجه به اینکه در $NCVaR_{q,t}^S$ ، رویداد شرطی به صورت $\{-\alpha\sigma_t^i \leq r_t^i \leq \alpha\sigma_t^i\}$ است و انحراف استاندارد شرطی σ_t^i را می توان با استفاده از پروسه GARCH به دست آورد، در این شرایط، از مخرج کسر معادله (۹) معادله زیر بدست می آید:

$$\int_{-\alpha\sigma_t^1}^{\alpha\sigma_t^1} \dots \int_{-\alpha\sigma_t^S}^{\alpha\sigma_t^S} D_{S,t}(r_t^1, \dots, r_t^S) dr_t^1 \dots dr_t^S = P_d \quad (12)$$

و از صورت کسر به دست می آید:

(۱۳)

$$\int_{-\infty}^{NCoVaR_{q,t}^S} \int_{-\alpha\sigma_t^1}^{\alpha\sigma_t^1} \dots \int_{-\alpha\sigma_t^S}^{\alpha\sigma_t^S} D_{S+1,t}(r_t^1, \dots, r_t^S) dr_t^{sys} dr_t^1 \dots dr_t^S = q \times P_d$$

بنابراین می توان $NCoVaR_{q,t}^S$ را مانند $ACoVaR_{q,t}^S$ محاسبه کرده و در نتیجه $\Delta CoVaR_q^S$ را با استفاده از تفریق آن دو بدست آورد.

۴-۴. ارزش شیلی^۱

در این مقاله، ارزش شیلی نقش توزیع کننده ریسک سیستمیک را دارد. بدین ترتیب که ما از ارزش شیلی به عنوان روشی جهت تعیین سهم هر یک از موسسات در ریسک سیستمیک کل استفاده می کنیم. در این بخش به معرفی این روش می پردازیم. روش شیلی اولین بار در بازی های همکارانه پیشنهاد شد. در این بازی ها گروهی از بازیکنان یک ارزش مشارکتی (مانند ثروت، هزینه) را برای کل گروه تولید می کنند. ارزش شیلی یک بازیکن در یک بازی به صورت سهم (نسبت) نهایی انتظاری وی در مجموعه همه جایگشت ها^۲ بر مجموعه بازیکنان تعریف می شود. برای مثال، تعدادی کارگزار تمایل دارند تا به سروری جهت بهرمندی از سرویس های پر سرعت کامپیوتر متصل شوند. نگهداری سرور دارای هزینه می باشد. ارزش شیلی، یک تخصیص عادلانه و کارآمد هزینه های نگهداری سرور بین کارگزاران است. ارزش شیلی هر کارگزار به صورت سهم نهایی انتظاری وی بر همه مجموعه های ممکن کارگزاران تعریف می شود. این روش می تواند در مواردی که موسسات مالی با فعالیت های ریسکی با همبستگی زیاد، در بازار مالی با یکدیگر در ارتباطند و موجب ریسک سیستمیک سیستم یا مجموعه می شوند، به کار گرفته شود. در اینجا «ارزش» اشاره شده در بالا، ریسک سیستمیکی است که توسط موسسات مالی (بانک ها) ایجاد می شود.

1. Shapley
2. Permutations

به منظور استفاده از روش ارزش شیپلی در سیستم مالی، کافی است "توابع مشخصه"^۱ را تعریف کنیم. همانطور که قبلاً اشاره شد در اینجا توابع مشخصه، ارزش در معرض خطر شرطی چند متغیره تعریف می‌شوند. این تابع، برای مجموعه همه جایگشت‌های روی مجموعه بانک‌ها یکسان است و هر زیر سیستم را به یک مقدار ریسک مربوط می‌نماید. تابع مشخصه v ، هر کدام از $2^N - 1$ زیر سیستم از بانک‌ها را به عنوان ورودی می‌گیرد و مقادیر سنجه‌های ریسک را برای همه سیستم، به عنوان خروجی تابع می‌دهد. روند ارزش شیپلی به شکل زیر است:

N بازیکن در یک بازی فوق جمع‌پذیر^۲ حضور دارند که در اینجا موسسات مالی هستند. تابع $v: 2^N \rightarrow R^+$ ریسک سیستمیک هر زیر مجموعه از N را نشان می‌دهد و $v(\emptyset) = 0$ هدف یافتن تخصیص ریسک سیستمیک غیر منفی $\{Sh_i\}_{i \in N}$ به نحوی است که اصول موضوعه چهارگانه زیر برقرار باشد.

- اصل موضوع ۱ (جمع‌پذیری/کارایی): $\sum_{i \in N} Sh_i = v(N)$

- اصل موضوع ۲ (مجازی^۳): اگر i به نحوی باشد که برای همه S ‌هایی که $i \notin S$ در

شرط $Sh_i = v(\{i\}) = \Delta_i(S)$ صدق کند، آنگاه $Sh_i = v(\{i\})$

- اصل موضوع ۳ (تقارن): اگر $i \neq j$ بوده به نحوی که $\Delta_i(S) = \Delta_j(S)$ ، برای هر

S ، به طوریکه $i, j \notin S$ آنگاه $Sh_i = Sh_j$

- اصل موضوع ۴ (خطی بودن): فرض کنید $v(S) = v_1(S) + v_2(S)$ و $v_1(\emptyset) =$

$v_2(\emptyset)$ و $\{Sh_i^1\}_i$ سهم ریسک سیستمیک v_1 و $\{Sh_i^2\}_i$ سهم ریسک سیستمیک v_2

باشد. آنگاه به ازای هر i داریم: $Sh_i = Sh_i^1 + Sh_i^2$ که نشان‌دهنده سهم ریسک

سیستمیک v است.

تنها یک روش جهت برقرار بودن اصول موضوع ۱ و ۲ و ۳ و ۴ وجود دارد و آن

ارزش شیپلی است و مقدار آن برای بانک i عبارت است از:

1. Characteristic Function
2. Superadditive
3. Dummy

$$Sh_i(v) = \sum_{S \subseteq N \setminus \{i\}} \frac{|S|! (n - |S| - 1)!}{n!} (v(S \cup \{i\}) - v(S)) \quad (13)$$

در معادله (۱۳)، n تعداد کل بانک ها و سیگما، جمع بر روی همه زیر مجموعه های S از N به جز بانک i ام می باشد. این فرمول می تواند به عنوان نسبت (سهم) انتظاری حاشیه ای بانک i ام بر مجموعه جایگشت های مجموعه بانک ها تفسیر شود.

۴-۵. مباحث نظری نحوه برآورد مدل DCC_GARCH

روش های مختلفی برای محاسبه ارزش در معرض خطر شرطی وجود دارد. آدریان و برونرمر (۲۰۱۱) استفاده از رگرسیون کوانتایل را جهت تخمین $\Delta CoVaR$ و VaR متغیر در زمان پیشنهاد کردند. آنها برای تخمین پارامترهای کوانتایل q از مجموعه ای از متغیرهای حالت به عنوان رگرسور استفاده کردند. مزیت مهم این روش آن است که برای برآورد VaR و $CoVaR$ هیچ توزیع خاصی روی متغیرهای تصادفی اعمال نمی شود. در این مقاله، از چارچوب اقتصادی دیگری برای توضیح روش بالا استفاده شده است. به منظور اجتناب از این فرآیند که چه متغیرهای حالتی می بایست انتخاب شوند، بطور مستقیم از بازده های انفرادی استفاده شده است. در این مقاله از متدولوژی GARCH_DCC ارایه شده توسط انگل (۲۰۰۲ و ۲۰۰۹)^۱ استفاده شده است. جهت شفاف کردن این ایده، ابتدا تعیین می شود که کدام اجزا برای محاسبه ارزش در معرض ریسک شرطی چند متغیره (Multi-CoVaR) ضروری هستند:

۱. تابع چگالی احتمال بازده های سیستم و هر یک از موسسات

۲. نوسان^۲ شرطی بازده های موسسات جهت تعریف «نمونه نرمال»

۳. ریسک Idiosyncratic ارزش در معرض خطر جهت تعیین «نمونه غیر نرمال» برای موسسات.

1. Engle, (2002, 2009).
2. Volatility

محاسبه مدل DCC-GARCH نسبت به بسیاری از مدل‌های پیچیده MGARCH ساده‌تر است. برجسته‌ترین مزیت این مدل آن است که تعداد پارامترهایی که در فرآیند همبستگی تخمین زده می‌شوند، مستقل از تعداد سری‌هایی است که برآورد می‌گردند. این موضوع یک مزیت بزرگ محاسباتی برای این مدل به خصوص به هنگام برآورد ماتریس-های بزرگ کوواریانس فراهم می‌نماید. مدل GARCH_DCC با استفاده از یک روش دو مرحله‌ای برآورد می‌شود. در حالت کلی چند متغیره، در مرحله اول مدل GJR_GARCH یک متغیره برای هر یک از داده‌ها برآورد شده و در مرحله دوم با استفاده از باقیمانده‌های استاندارد شده، پارامترهای همبستگی پویا مورد تخمین قرار می‌گیرد.

۴-۶. توزیع t-چند متغیره^۱

با توجه به معادلات ۶ تا ۹، عامل کلیدی در محاسبه Multi-CoVaR تابع چگالی احتمال مشترک است. نکته قابل توجه این است که در بازارهای مالی مشخص شده که توزیع بازده دارایی‌ها معمولاً دنباله پهن‌تری نسبت به توزیع نرمال دارند. فرض شده بردار $r_{S+1,t}$ توزیع t چند متغیره با میانگین صفر و واریانس و کواریانس $\sum_t$ با v_t درجه آزادی دارد:

(۱۴)

$$\begin{pmatrix} r_t^{sys} \\ r_t^1 \\ \vdots \\ r_t^S \end{pmatrix} \sim t_{v_t} \left(\begin{pmatrix} 0 \\ 0 \\ \vdots \\ 0 \end{pmatrix}, \begin{pmatrix} \sigma_{sys,t}^2 & \rho_{sys1,t} \sigma_{sys,t} \sigma_{1,t} & \dots & \rho_{sysS,t} \sigma_{sys,t} \sigma_{S,t} \\ \rho_{1sys,t} \sigma_{1,t} \sigma_{sys,t} & \sigma_{1,t}^2 & \dots & \rho_{1S,t} \sigma_{1,t} \sigma_{S,t} \\ \vdots & \vdots & \ddots & \vdots \\ \rho_{Ssys,t} \sigma_{S,t} \sigma_{sys,t} & \rho_{S1,t} \sigma_{S,t} \sigma_{1,t} & \dots & \sigma_{S,t}^2 \end{pmatrix} \right)$$

در رابطه فوق $\sigma_{i,t}$ نوسان شرطی i و $\rho_{ij,t}$ همبستگی شرطی بین i و j می‌باشد. بنابراین برای تخمین توزیع t چند متغیره در زمان t کافی است نوسانات شرطی و همبستگی‌های شرطی محاسبه گردند. توجه کنید که این تنها موردی است که از فرض وجود توزیع

1. Multi-t

خاصی جهت محاسبه ارزش در معرض خطر شرطی چندگانه (Multi-CoVaR) استفاده شده است.

۴-۷. بی ثباتی^۱

همانطور که قبلاً اشاره شد، برای محاسبه $NCoVaR_{q,t}^S$ لازم است تا ابتدا نوسان شرطی $\sigma_{i,t}$ محاسبه شود. بدین منظور روش GARCH مورد استفاده قرار گرفته است. با توجه به وجود انواع مختلفی از مدل های GARCH به منظور توصیف "اثر اهرمی"^۲ از GJR-GARCH برای مدل سازی نوسان استفاده شده است. مدل GJR توسط گلوستن، جاگاناتان و رانکل (۱۹۹۳)^۳ ارائه گردید. نسخه تعمیم یافته این مدل به شکل زیر است:

$$\sigma_t^2 = \omega + \sum_{i=1}^q (\alpha_i \varepsilon_{t-i}^2 + \gamma_i S_{t-i}^- \varepsilon_{t-i}^2) + \sum_{j=1}^p \beta_j \sigma_{t-j}^2 \quad (15)$$

که در آن S_t^- متغیر موهومی بوده و در صورت منفی بودن ε_t برابر با ۱ و در صورت مثبت بودن ε_t برابر با صفر است. در این مدل فرض شده که اثر ε_t^2 بر واریانس شرطی σ_t^2 در حالت مثبت یا منفی بودن ε_t متفاوت است. در رابطه فوق α_i توصیف کننده اثر علامت^۴ و γ_i بیانگر اثر اندازه^۵ است. مدل TGARCH معرفی شده توسط زاکیان (۱۹۹۴)^۶ شباهت بسیاری به مدل GJR دارد ولی این مدل به جای واریانس شرطی، انحراف استاندارد شرطی را مدل سازی می کند. ویژگی جالب مدل GJR این است که آزمون فرض صفر مبنی بر عدم وجود اثر اهرمی بسیار ساده است. در واقع $\gamma_1 = \dots = \gamma_q = 0$ بر این امر دلالت می کند که اخبار اثر متقارنی بر منحنی دارد. به عبارتی شوک های مثبت و منفی گذشته، اثر یکسانی را بر نوسان امروز دارند.

دینامیک واریانس شرطی در این مدل به شکل زیر ارائه شده است:

۱. Volatility

۲. در آمد منفی بیشتر از در آمد مثبت واریانس را افزایش می دهد حتی اگر مقدار یکسانی داشته باشند.

3. Glosten et al. (1993)

4. Sign Effect

5. Size Effect

6. Zakoian (1994)

$$r_t = \epsilon_t \sigma_t \quad (۱۶)$$

$$\sigma_t^2 = \omega_G + \alpha_G r_{t-1}^2 + \gamma_G r_{t-1}^2 I_{t-1}^- + \beta_G \sigma_{t-1}^2$$

که در آن $I_{t-1}^- = 1$ است اگر $r_{t-1} < 0$ باشد و در غیر این صورت $I_{t-1}^- = 0$ است. در مدل GJR_GARCH اخبار خوب توسط $r_{t-1} > 0$ و اخبار بد توسط $r_{t-1} < 0$ داده شده است. اخبار خوب دارای اثر α_G و اخبار بد دارای اثر $\alpha_G + \gamma_G$ هستند. اگر $\gamma_G > 0$ باشد، آنگاه اخبار بد نوسان بیشتری ایجاد می‌نمایند که این امر از وجود اثر اهرمی حکایت دارد. به عبارتی اگر $\gamma_G \neq 0$ باشد آنگاه اخبار دارای اثر نامتقارن می‌باشند. این مدل با Quasi-MLE تخمین زده شده است که سازگاری برآوردکننده‌ها را تضمین می‌کند. بنابراین:

$$\sqrt{T}(\hat{\theta}^{MLE} - \theta^0) \sim N(0, J_0^{-1} I_0 J_0^{-1}) \quad (۱۷)$$

$$\hat{J} = \frac{1}{T} \sum \frac{\partial^2 \log L}{\partial \theta \partial \theta'} \quad \text{و} \quad \hat{I} = \frac{1}{T} \sum S_t(\hat{\theta}) S_t'(\hat{\theta})$$

$$\theta = (\alpha_G, \gamma_G, \beta_G)$$

۴-۸. همبستگی

همبستگی وابسته به زمان^۱ با استفاده از روش DCC^2 مدل‌سازی شده است. ماتریس همبستگی عبارت است از:

$$P_t = \text{diag}(Q_t)^{-\frac{1}{2}} Q_t \text{diag}(Q_t)^{-\frac{1}{2}} \quad (۱۸)$$

که Q ماتریس همبستگی Pseudo بوده و یک ماتریس مثبت معین است. تصریح مدل DCC به صورت زیر تعریف شده است:

$$Q_T = (1 - \alpha_C - \beta_C) \bar{Q} + \alpha_C \epsilon_{t-1}^* \epsilon_{t-1}^{*'} + \beta_C Q_{t-1} \quad (۱۹)$$

که ϵ_t^* بازده‌های استاندارد شده با فرمول $\epsilon_t^* = \text{diag}(Q) \times \epsilon_t$ بوده و $\bar{Q}$ ماتریس عرض از مبدا با مقدار $\bar{Q} = \mathbb{E}[\epsilon_t^* \epsilon_t^{*'}]$ است. به عبارتی ماتریس $\bar{Q}$ کوواریانس غیر شرطی

1. Time Varying Correlation
2. Dynamic Conditional Correlation

باقیمانده های استاندارد شده حاصل از مرحله اول هستند. α_C و β_C پارامترهای ساختار همبستگی در داده ها بوده و به ترتیب اثرات شوک های تاخیری استاندارد شده ϵ_{t-1}^* و ϵ_{t-1}' و همبستگی شرطی پویای تاخیری Q_{t-1} را بر همبستگی شرطی پویای فعلی توصیف می کنند. شروط $\alpha_C, \beta_C > 0$ و $\alpha_C + \beta_C < 1$ تضمین کننده مانایی و مثبت معین بودن Q_T هستند. Q_T میانگین وزنی ماتریس های همبستگی $\bar{Q}$ و $\epsilon_{t-1}^* \epsilon_{t-1}'$ و Q_{t-1} است. لازم به ذکر است که مدل همبستگی شرطی ثابت (CCC) در درون مدل DCC قرار گرفته و با آزمون $\alpha_C = \beta_C = 0$ می توان وجود مدل همبستگی پویای شرطی را بررسی نمود. همانند مدل تک متغیره، پارامترهای مدل DCC_GARCH توسط برآوردگر حداکثر راستنمایی تخمین زده می شوند. برای برآورد همبستگی دینامیک شرطی از روش تخمینی که در بالا ذکر شد، استفاده شده است.

۵. داده ها و نتایج تجربی

در این بخش، متدولوژی و چارچوب اقتصادسنجی توصیف شده در بخش های قبلی را بکار برده و ریسک سیستمیک را برای سیستم بانکی کشور بررسی می کنیم. به منظور انجام برآوردها و برای به تصویر کشیدن وابستگی متقابل ریسک بین چندین بنگاه اقتصادی موجود در یک بازار که ممکن است به طور همزمان در تنگنا قرار گرفته باشند، این پژوهش صنعت بانکی کشور را هدف قرار داده و برای محاسبه میزان و چگونگی وابستگی بانک های کشور به یکدیگر در ریسک سیستمیک موجود، از داده های بازدهی هفتگی بانک های ملت، تجارت، صادرات، پارسیان و اقتصاد نوین (که از شرکت های پذیرفته شده در بازار بورس تهران هستند) و همچنین شاخص گروه بانک برای دوره زمانی ۲۷ خرداد ۱۳۸۸ تا ۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۸ شامل ۵۱۷ داده برای هر سری زمانی، استفاده شده است. بانک های انتخاب شده از بانک های بزرگ نیمه دولتی و خصوصی کشور بوده و در مجموع ۳۰/۸٪ از کل دارایی های سیستم بانکی کشور را دارا می باشند.

اطلاعات مورد نیاز از سایت بورس اوراق بهادار تهران و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران دریافت شده است.

به منظور بدست آوردن اطلاعات خلاصه در مورد داده‌ها، آمارهای توصیفی بازده هفتگی سری‌های زمانی مورد بررسی در جدول (۱) ارائه شده است.

جدول ۱. خلاصه آمارهای توصیفی داده‌ها

	اقتصاد نوین	پارسیان	ملت	تجارت	صادرات	کل سیستم
میانگین	۰/۰۰۱۱۵۷۳	-۰/۰۲۵۸۱۹۸	۰/۰۰۱۵۱۸۴	۰/۰۰۰۴۵۲۸۸	۰/۰۰۰۲۹۲۶۹	-۰/۰۰۲۱۴۶۸
حداکثر	۰/۵۷۵۳۰	۰/۲۰۷۲۹	۰/۲۰۶۳۴	۰/۲۷۶۳۵	۰/۲۷۳۰۳	۰/۱۲۷۵۶
حداقل	-۰/۲۹۰۸۴	-۰/۳۳۳۵۲	-۰/۳۹۵۹۶	-۰/۷۹۵۸۱	-۰/۶۰۳۹۲	-۱/۳۰۰
انحراف استاندارد	۰/۰۵۲۷۱۴	۰/۰۴۱۸۷۱	۰/۰۴۶۷۳۳	۰/۰۶۳۶۶۷	۰/۰۵۰۲۸۰	۰/۰۷۷۶۹۴
چولگی	۲/۱۸۸۸	-۰/۴۲۶۱۹	-۱/۹۱۷۴	-۵/۳۷۴۴	-۴/۶۱۱۱	-۱۲/۲۳۰
کشیدگی	۳۲/۹۶۳	۱۰/۸۶۰	۲۰/۴۸۱	۶۵/۴۹۲	۵۸/۸۶۳	۱۷۸/۶۴
نرمال بودن	۹۲۳/۷۰	۵۷۸/۰۶	۴۵۸/۷۹	۶۹۸/۰۲	۳۶۱/۵۰	۳۱۷۵۶
<i>p_value</i>	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰

مأخذ: محاسبات تحقیق

بانک‌های ملت و پارسیان با متوسط بازدهی ۰/۰۰۱۵۱۸۴ و ۰/۰۲۵۸۱۹۸ در طول دوره مورد بررسی، به ترتیب بیشترین و کمترین بازده را دارا هستند. انحراف استاندارد، ریسک یا نوسان داده‌ها را نشان می‌دهد. بانک پارسیان با ۰/۰۴۱۸۷۱ کمترین نوسان و بانک تجارت با مقدار ۰/۰۶۳۶۶۷ بیشترین نوسان را در بین داده‌ها دارند. چولگی همه داده‌ها بجز اقتصاد نوین منفی است و این امر عدم تقارن در داده‌ها را نشان می‌دهد. متغیر کشیدگی، پهن بودن دنباله‌های توزیع و توزیع داده‌ها حول میانگین را نشان می‌دهد. مقادیر کشیدگی همه داده‌ها بزرگتر از ۳ بوده و نشان می‌دهد که توزیع داده‌ها نرمال نیستند. با توجه به مقادیر *p-value* ارائه شده در جدول (۱)، فرض صفر مبنی بر نرمال بودن برای تمامی داده‌ها رد می‌شود. در نمودار (۱) بازده هفتگی قیمت سهام هر یک از بانک‌ها و شاخص گروه

بانکی رسم شده است. در نمودارهای مربوطه علاوه بر بازگشت بازده ها به مقادیر میانگین خود، تغییر پذیری خوشه ای نیز قابل رویت است؛ به این معنی که دوره های با نوسان اندک با دوره های زمانی با نوسان زیاد درهم آمیخته شده اند. این موضوع اثر ARCH را در سری های زمانی نشان می دهد. پیش از انجام برآوردها، آزمون های تشخیصی اعم از دیکی فولر تعمیم یافته برای تشخیص مانایی، آزمون لیونگ باکس برای تشخیص وجود خودهمبستگی بین اجزای اخلال انجام شده و نتایج حاصله در جدول (۲) ارائه شده است. برای انجام تخمین ها با استفاده از مدل GARCH در ابتدا باید سری زمانی داده های مورد بررسی مانا باشند. نتایج حاصل از آزمون دیکی فولر بسط یافته، حاکی از مانایی بازده هفتگی تمامی داده ها است. آماره Q لیونگ باکس نشان می دهد که فرضیه صفر عدم وجود خود همبستگی در سطح ۵ درصد برای سری های بانک های اقتصاد نوین، پاریس، تجارت و صادرات رد می شود.

جدول ۲. نتایج آزمون های تشخیصی

اقتصاد نوین	پاریس	ملت	تجارت	صادرات	کل سیستم	
دیکی فولر بسط یافته	-۱۶/۲۵۲۵۹	-۱۹/۶۱۳۸۷	-۲۲/۹۴۲۵۹	-۲۳/۸۵۶۹۸	-۲۷/۰۳۷۲۲	-۲۲/۶۲۲۵۰
احتمال	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰
لیونگ باکس	۵۰/۷۴۲	۳۸/۳۳۸	۱۳/۴۰۳	۳۸/۲۸۱	۴۵/۵۶۵	۲/۹۲۱۳
احتمال	۰/۰۰۱۱	۰/۰۳۲۰	۰/۹۵۹۰	۰/۰۳۲۴	۰/۰۰۵۰	۱/۰۰۰۰
اثر آرچ	۰/۷۲۵۳۶۸	۰/۷۶۳۰۹۸	۰/۰۸۱۰۶۹	۰/۰۰۲۹۹۳	۰/۹۷۷۳۸۱	۰/۰۱۳۱۹۵
احتمال	۰/۳۹۴۴	۰/۳۸۲۴	۰/۷۷۵۹	۰/۹۵۶۴	۰/۳۲۲۸	۰/۹۰۸۶

مأخذ: محاسبات تحقیق

طبق نظر انگل (۲۰۰۱) $GARCH(1,1)$ ساده ترین و قوی ترین مدل از خانواده تکنیک های مدل سازی نوسان یا بی ثباتی است. هانسن و لوند (۲۰۰۵) نشان دادند که استفاده از مدل های پیچیده تر عملکرد بهتری نسبت به مدل $GARCH(1,1)$ ندارد. کوه

(۲۰۱۸)، اورکاسوگ^۱ (۲۰۰۹) و بروکس^۲ (۲۰۱۴) در مطالعات خود به این نتیجه رسیدند که مدل GARCH (1,1) برای توصیف بی‌ثباتی سری‌های زمانی داده‌های مالی کافی است.

برای بررسی وجود اثر ARCH و GARCH در داده‌ها، یک مدل GARCH(1,1) برای هر یک از سری‌های زمانی برآورد نموده (بجز متغیر سیستم که مدل GARCH(0,1) برای آن برآورد گردید) و در صورت معنادار بودن ضرایب مربوط به متغیرهای ARCH و GARCH وجود اثر ARCH در داده‌ها مورد تأیید قرار می‌گیرد. در جدول (۳) نتایج برآورد شده برای هر یک از سری‌های زمانی ارائه شده است. ملاحظه می‌شود که تمامی ضرایب برآورد شده در سطح ۱٪ معنادار هستند و فقط ضریب GARCH برای اقتصاد نوین در سطح ۱۰٪ معنادار است. بنابراین وجود اثر ARCH و GARCH در داده‌ها مورد تأیید قرار می‌گیرد.

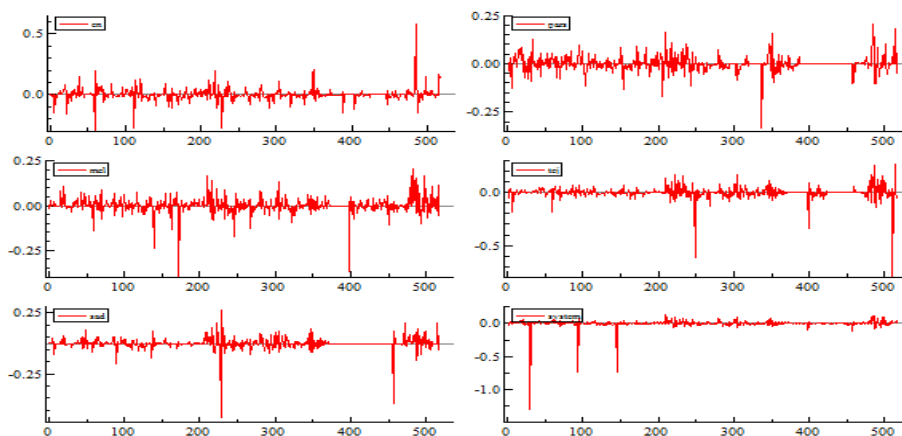
جدول ۳. آزمون وجود اثر ARCH و GARCH در داده‌ها

کل سیستم	صادرات	تجارت	ملت	پارسیان	اقتصاد نوین	
GARCH(0,1)	GARCH(1,1)	GARCH(1,1)	GARCH(1,1)	GARCH(1,1)	GARCH(1,1)	مدل برآورد شده
-	۰/۱۱۶۷۵۷	۰/۰۸۴۳۷۵	-۰/۰۲۲۸۹۵	۰/۱۵۷۳۲۷	۰/۱۳۴۳۱۹	ضریب ARCH
-	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۶	prob
۰/۸۴۰۳۲۹	۰/۸۰۴۷۸۲	۰/۹۲۴۶۲۰	۱/۰۱۹۲۳۰	۰/۶۰۰۳۴۶	۰/۲۲۲۸۴۴	ضریب GARCH
۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۶۳۱	prob

مأخذ: محاسبات تحقیق

1 Orskaug (2009).

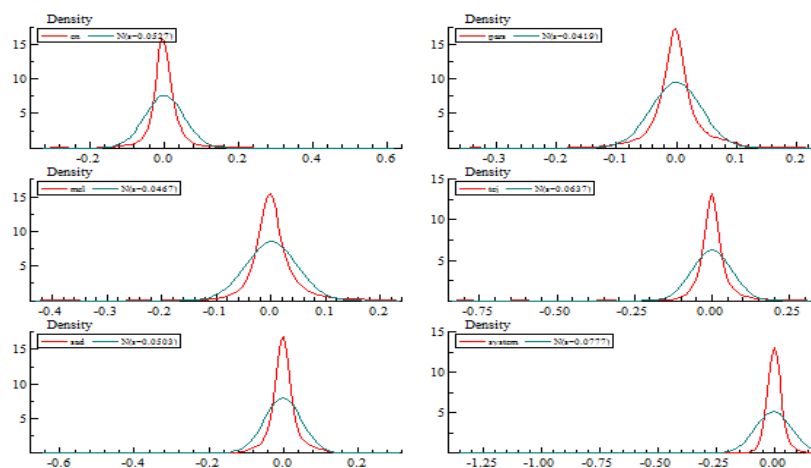
2 Brooks (2014).



نمودار ۱. بازده هفتگی قیمت سهام هر یک از بانک های منتخب

مأخذ: محاسبات تحقیق

در نمودار (۲) نیز توزیع غیر شرطی بازده هر یک از بانک ها و بازده هفتگی شاخص گروه بانکی ترسیم شده و با توزیع نرمال مربوط به آن داده مقایسه شده است. ملاحظه می شود کشیدگی توزیع داده ها بسیار بیشتر از کشیدگی توزیع نرمال است. در نتیجه نتایج موید آن است که توزیع هر یک از داده ها با توزیع نرمال متفاوت است.



نمودار ۲. توزیع غیر شرطی بازده هر یک از بانک های منتخب و مقایسه آن با توزیع نرمال

مأخذ: محاسبات تحقیق

در جدول (۴) نتایج مربوط به ماتریس همبستگی بین داده‌ها نشان داده شده است. همه مقادیر موجود در جدول مثبت هستند و این موضوع حاکی از آن است که بازده سهام بانک‌های مختلف و کل بازده شاخص گروه بانکی در یک جهت تغییر می‌کنند. طبق جدول (۴) همبستگی بین بازده‌ها از ۰/۱۳ تا ۰/۳۲ متفاوت بوده و با توجه به اینکه این مقادیر از ۰/۸ کوچکتر هستند، حاکی از وجود هم‌حرکتی‌های کوچک بین بازده سهام‌ها و فقدان Multicollinearity است. همبستگی بین اقتصاد نوین و کل سیستم با مقدار ۰/۱۳ کمترین مقدار و همبستگی بین اقتصاد نوین با بانک‌های پارسیان و صادرات با ۰/۳۲ بیشترین مقدار است. همبستگی پیرسون، یک همبستگی متوسط بوده و تغییرات در همبستگی در گذر زمان را نشان نمی‌دهد. جزییات بیشتر در خصوص همبستگی با استفاده از مدل DCC_GARCH بررسی شده است.

جدول ۴. ضرایب همبستگی بین داده‌ها

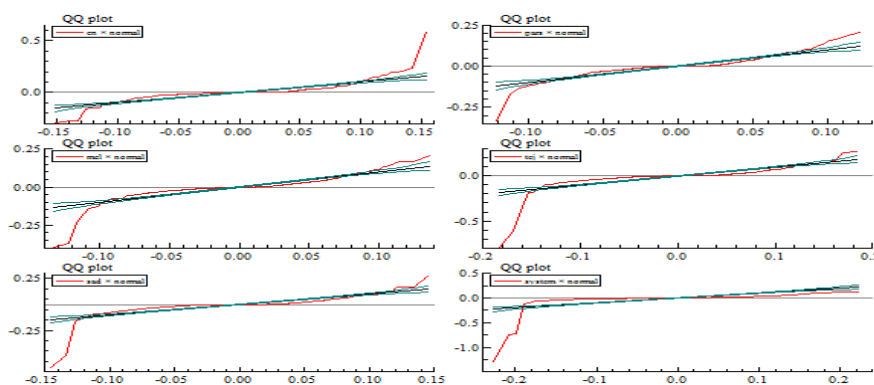
اقتصاد نوین	اقتصاد نوین	پارسیان	ملت	تجارت	صادرات	کل سیستم
۱						
۰/۳۲	۱					
۰/۲۸	۰/۱۹	۱				
۰/۲	۰/۱۶	۰/۳	۱			
۰/۳۲	۰/۲۴	۰/۳۱	۰/۲۸	۱		
۰/۱۳	۰/۱۸	۰/۲۳	۰/۱۶	۰/۲۱	۱	

مأخذ: محاسبات تحقیق

در زیر نمودار کوانتایل-کوانتایل تمامی متغیرها رسم شده است. این نمودار کوانتایل‌های مشاهده شده برای هر یک از داده‌ها را با کوانتایل تئوریک توزیع نرمال مقایسه می‌کند. در نتیجه در صورت نرمال بودن توزیع سری زمانی مورد بررسی، نمودار کوانتایل-کوانتایل آن باید به صورت خط مستقیم باشد. نمودارهای کوانتایل-کوانتایل ترسیم شده عمدتاً دارای الگوی S چرخش شده^۱ هستند که طبق آن بیشترین اختلاف با

1. S Rotated

خطوط مستقیم ترسیم شده (مربوط به توزیع نرمال) در نقاط ابتدایی و انتهایی مشاهده می شود. این موضوع دلالت می کند که توزیع سری های زمانی، دنباله های پهن تری نسبت به توزیع نرمال دارد. بنابراین نتایج آزمون های مقدماتی تایید می کنند که استفاده از مدل DCC_GARCH برای مطالعه پیش رو مناسب است. ضمن اینکه با توجه به نتایج آزمون های انجام شده و نمودارهای رسم شده، فرض نرمال بودن توزیع سری های زمانی مورد استفاده، فرض صحیحی به نظر نمی رسد.



نمودار ۳. نمودار کوانتایل-کوانتایل برای بازده هر یک از بانک های منتخب

مأخذ: محاسبات تحقیق

نوسانات متغیر در زمان و همبستگی ها برای تعیین منافع حاصل از تنوع بخشی به پرتفوی حایز اهمیت هستند. در اینجا از دو مدل DCC_GARCH با توزیع های گوسی و t -استیودنت برای مقایسه نتایج و انتخاب مدل صحیح استفاده می شود. مدل های GJR و DCC برای هر یک از بانک ها بر روی نمونه کامل داده ها برازش شده اند و در این قسمت نتایج حاصل از تخمین پارامترها، سری های برازش شده و خودهمبستگی ها ارایه می شود. در جداول (۵) و (۶) پارامترهای برآورد شده مدل GJR و DCC برای هر یک از بانک ها و همچنین کل سیستم با فرض وجود توزیع های نرمال و t -استیودنت ارایه شده است. تخمین های مدل GARCH-GJR (1,1) در جدول (۵) همه بر اساس فرض وجود توزیع نرمال ارایه شده اند. پارامترهای برآورد شده برای بانک های ملت و صادرات در شرایط

عدم وجود همگرایی ارایه شده است و با توجه به اینکه در این حالت t -prob توسط نرم‌افزار محاسبه نمی‌شود، در جدول (۵) نیز مقادیر آنها درج نشده است. محاسبات مدل با فرض وجود توزیع t -استیودنت نیز انجام پذیرفت که برای هیچ یک از داده‌ها همگرایی مشاهده نگردید لذا نتایج حاصل از تخمین‌ها ارایه نگردید. در جدول (۷) نیز برآورد حاصل از مدل DCC به صورت چند متغیره در دو حالت و با فرض وجود توزیع نرمال و t -استیودنت و برای بررسی همبستگی شرطی پویای بین بانک‌های منتخب ارایه شده است.

جدول ۵. نتایج تخمین مدل GARCH-GJR (1,1)

نام بانک	α_G	γ_G	β_G	نتیجه همگرایی
کل سیستم	۰/۲۹۸۳۵۸	۶/۰۳۰۶۴۹	۰/۵۵۹۱۷۹	همگرایی قوی
t-prob	۰/۰۰۵۳	۰/۰۵۶۵	۰/۰۰۰۰	
اقتصاد نوین	۱/۸۳۶۴۵۶	-۱/۷۷۹۶۰۶	۰/۲۸۷۷۵۶	همگرایی قوی
t-prob	۰/۴۳۲۴	۰/۴۴۰۱	۰/۲۵۷۳	
پارسیان	۰/۲۱۱۵۸۲	-۰/۲۱۴۶۷۵	۰/۷۳۹۶۰۲	همگرایی قوی
t-prob	۰/۰۲۸۱	۰/۰۲۳۱	۰/۰۰۰۰	
ملت	۰/۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰	عدم وجود همگرایی ^۱
t-prob				
تجارت	۰/۱۲۳۴۱۶	-۰/۱۴۲۵۷۹	۰/۹۸۵۲۵۲	همگرایی ضعیف
t-prob	۰/۰۴۳۰	۰/۰۶۵۲	۰/۰۰۰۰	
صادرات	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۱۲۵۲۰۹	۰/۰۸۰۰۰۴	عدم وجود همگرایی
t-prob				

مأخذ: محاسبات تحقیق

۱. مشکل عدم وجود همگرایی در محاسبات عمدتاً زمانی که تعداد پارامترها زیاد باشد یا در داده‌ها، داده‌های پرت وجود داشته باشد، مشاهده می‌شود. در صورت وجود داده‌های پرت در داده‌ها به احتمال بسیار زیاد الگوریتم بهینه‌سازی مقادیر α یا β یا هر دو ثبت خواهد کرد. در صورت بروز مشکل همگرایی به احتمال بسیار زیاد به جای دستیابی به یک اپتیمم سراسری، یک مقدار بهینه موضعی دست یابیم. در این حالت تغییر مقادیر شروع برای اجرای عملیات بهینه‌سازی در الگوریتم مورد استفاده یکی از روش‌های حل مشکل است. به رغم عدم دستیابی به همگرایی، ضرایب ارایه می‌شوند، زیرا که برای برآورد پارامترها از روش‌های عددی استفاده می‌شود. اما این نتایج نباید مورد استفاده قرار گیرند زیرا از قابلیت اطمینان اندکی برخوردارند و با ورود داده‌های جدید می‌توانند به سرعت تغییر نمایند.

جدول ۶. نتایج تخمین مدل های DCC-GARCH-normal و DCC-GARCH-student-t

DCC-student-t				DCC-normal			نام بانک
Log-likelihood	ν	β_c	α_c	Log-likelihood	β_c	α_c	
۲۰۱۵/۳۱	۲/۲۲۱۹۶۷	۰/۸۵۰۲۶۶	۰/۱۳۶۸۶۱	۱۳۵۶/۳	۰/۶۳۹۸۱۲	۰/۱۶۵۰۷۵	اقتصاد نوین
	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۴۹		۰/۰۰۰۰	۰/۰۷۸۳	t-prob
۲۰۲۵/۲۳	۲/۲۸۱۲۷۱	۰/۸۳۲۳۷۷	۰/۰۴۸۸۴۵	۱۴۷۳/۸۱	۰/۱۷۴۵۷۶	۰/۳۴۴۷۱۵	پارسیان
	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۱۸۷۰		۰/۴۱۹۸	۰/۰۳۸۱	t-prob
-۳۲۴/۸۸	۲/۰۴۹۰۶۹	۰/۱۳۵۵۱۹	۰/۸۴۸۵۵۴	-۱۴۶۸/۶۸	۰/۹۰۹۹۷۴	۰/۰۹۰۰۱۶	ملت
	۰/۰۰۰۰	۰/۰۴۸۴	۰/۰۰۰۰		-	-	t-prob
۲۰۷۳/۳	۲/۲۳۲۳۳۹	۰/۸۵۲۰۱۸	۰/۰۵۴۱۷۱	۱۴۰۰/۷۴	۰/۵۶۴۱۴۳	۰/۲۸۱۷۰۲	تجارت
	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۲۰۵		۰/۳۳۲۶	۰/۵۹۲۰	t-prob
۱۸۷۷/۶۳	۲/۰۶۴۱۲۳	۰/۹۹۸۹۷۲	۰/۰۰۰۰۰۰	۷۷۸/۶۱۴	۰/۸۴۵۰۳۱	۰/۰۰۰۰۰۰	صادرات
	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰		۰/۰۱۱۲	۰/۴۹۹۰	t-prob

مأخذ: محاسبات تحقیق

جدول ۷. نتایج برآورد مدل های DCC و GJR_GARCH

با فرض وجود توزیع های نرمال و استیودنت-t

Log-likelihood	ν	β_c	α_c	
۱۰۱۴/۹۲۵	-	۰/۰۰۸۴۹۷	۰/۰۰	توزیع نرمال
		۰/۹۹۷۰	۱/۰۰۰۰	t-prob
۲۶۲۴/۸۵۲	۲/۲۴۷۱۴۵	۰/۰۰۴۸۵۲	۰/۰۰	توزیع استیودنت-t
	۰/۰۰۰۰	۰/۹۹۶۰	۰/۹۹۵۷	t-prob

مأخذ: محاسبات تحقیق

نتایج ارایه شده مدل DCC در جدول (۶) همبستگی شرطی پویای بازده هر یک از بانک ها را با بازده شاخص بانکی ارایه می نماید. به منظور مقایسه دو مدل DCC-normal و DCC-student-t برای برآوردهای ارایه شده در جداول (۶) و (۷) ملاحظه می شود که با توجه به اینکه:

۱. مقدار لگاریتم لایکلی هود در مدل DCC_student_t بزرگتر از این مقدار در مدل DCC_normal است.

۲. درجه آزادی در مدل $DCC_student_t$ در حالت‌های مختلف در حدود ۲ است و این مقدار از ۳۰ کوچکتر است مدل $DCC_student_t$ نسبت به مدل DCC_normal ارجحیت دارد.

در جداول فوق مقادیر برآورد شده حداکثر راستنمایی به همراه ضرایب نوسان $(\alpha_G, \gamma_G, \beta_G)$ و ضرایب همبستگی (α_C, β_C) در دو مدل DCC_normal و $DCC_student_t$ ارائه شده‌اند. ضرایب مثبت و معنادار عبارت مربوط به ARCH و GARCH یعنی (α_G, β_G) نشان می‌دهد که اخبار بورس در مورد نوسانات گذشته، قدرت تعیین‌کننده‌ای بر روی نوسانات جاری دارد. با این حال، اگر مجموع این دو ضریب بزرگتر از ۱ باشد، این موضوع نشان‌دهنده آن است که واریانس شرطی، ناپایدار و غیرقابل پیش‌بینی بوده و کل فرآیند ناماناست. این امر نشانگر ماندگاری شوک‌ها در بازار سهام بوده و در نهایت می‌تواند تا بی‌نهایت گسترش یابد. بازارهای سهام با شوک‌های انفجاری برای سرمایه‌گذاری بلندمدت مناسب نیستند چرا که سرمایه‌گذاران در این بازارها به صورت نامحدود و نامعین سود یا زیان کسب می‌کنند.

وجود واکنش‌های نامتقارن در بازده سهام هفتگی داده‌ها با مقادیر غیر صفر پارامتر γ_G مورد تایید قرار می‌گیرد. مقادیر مثبت و معنادار پارامتر اثر اهرمی در مدل (۱۰) و (۱۱) GJR-GARCH دلالت بر آن دارد که شوک‌های منفی (اخبار بد) نوسانات را بیش از شوک‌های مثبت (اخبار خوب) افزایش می‌دهد. بنابراین شواهد تجربی وجود عدم تقارن و عدم وجود اثر اهرمی را در داده‌ها نشان می‌دهد. هنگامی که مدل‌های GARCH با فرض وجود توزیع $student_t$ و $skewed_student_t$ برآورد می‌شوند، در صورتی که مقدار پارامتر درجه آزادی توزیع t -استیودنت بزرگتر از ۲ باشد، آنگاه با توزیع پهن دنباله مواجه خواهیم بود. با توجه به نتایج تخمین مدل که در جداول (۶) و (۷) ارائه شده است، پارامتر شکل یا درجه آزادی در مدل $DCC_student_t$ در تمامی حالت‌ها بزرگتر از ۲ بوده و این نشان می‌دهد سری‌های زمانی مورد بررسی پهن دنباله هستند. مجموع ضرایب همبستگی برای بیشتر بازده‌های سری زمانی بانک‌ها فقط به مقدار اندکی کمتر از ۱ هستند (بجز

پارسیان و اقتصاد نوین در مدل DCC_normal) و این امر حاکی از آن است که همبستگی های شرطی به میانگین خود برمی گردند و سیستم به آرامی به حالت نرمال خود برمی گردد. در صورتی که این ضرایب در هر جفت از داده ها به لحاظ آماری معنادار باشند، در این صورت همبستگی های پویای متغیر در زمان را بین آنها شاهد خواهیم بود.

زمانی که $\alpha_C = \beta_C = 0$ باشند، آنگاه مدل همبستگی شرطی ثابت (CCC) معرفی شده توسط بولرسلف (۱۹۹۰)^۱ را بین داده ها بدست خواهیم آورد. لازم به ذکر است که ضرایب برآورد شده α_C و β_C مثبت بوده و شرط $\alpha_C + \beta_C < 1$ برای هر جفت از داده ها برقرار است. طبق نتایج ارایه شده در جدول (۵) ملاحظه می شود که برای تمامی داده ها بجز بانک پارسیان $\beta_C > \alpha_C$ است و این موضوع حاکی از آن است که واریانس های دوره t بیش از آن که از جملات خطای استاندارد شده دوره قبلی تاثیر بپذیرند، از واریانس دوره قبلی متاثر می گردند. همانگونه که در جدول (۶) نشان داده شده است، پارامتر α_C بجز بانک پارسیان، برای سایر بانک ها در مدل $DCC_student_t$ به لحاظ آماری معنادار است. هر چند پارامتر β_C برای تمامی بانک ها در مدل مذکور به لحاظ آماری معنادار است. معناداری پارامترهای مدل DCC از وجود هم حرکتی قابل توجه متغیر در زمان بین متغیرها و در نتیجه ماندگاری بالای همبستگی شرطی حکایت می کند. مجموع این پارامترها نزدیک به ۱ بوده و در دامنه ۰/۹۸۸،۹۷۲ برای بانک صادرات و ۰/۸۸۱،۲۲۲ برای بانک پارسیان نوسان می کند. این بدان معناست که نوسانات در حالت بسیار پایداری قرار دارند. از آنجا که $\alpha_C + \beta_C < 1$ است، همبستگی های پویا حول یک سطح ثابت تغییر می کنند و به نظر می رسد روند پویا، بازگشت کننده به میانگین است. در جدول (۷) ملاحظه می شود که α_C و β_C برای هر دو حالت تخمین معنادار نیستند در نتیجه در هر دو حالت برآورد شده $\alpha_C = \beta_C = 0$ بوده و مدل به صورت همبستگی شرطی ثابت تبدیل می شود. همبستگی شرطی بازده هفتگی هر یک از بانک های منتخب با بازدهی هفتگی شاخص گروه بانک (متغیر سیستم) در بازه زمانی مورد بررسی بر اساس تخمین مدل

1. Bollerslev's (1990)

DCC_student_t در نمودار (۴) ترسیم شده است. مقادیر ترسیم شده بر روی نمودار، ماهیت متغیر در زمان نوسانات را نشان می‌دهد.



نمودار ۴. همبستگی شرطی پویای بازده هفتگی هر یک از بانک‌های منتخب با بازده هفتگی شاخص گروه بانک

مأخذ: محاسبات تحقیق

به رغم ارجحیت مدل DCC_student_t نسبت به مدل DCC_normal به دلیل پیچیدگی محاسبات ارزش در معرض خطر شرطی در حالت استفاده از توزیع استیودنت-t، این معیار با استفاده از روش DCC_normal برای هر یک از بانک‌های مورد بررسی محاسبه

شده است. مقادیر ارائه شده در جدول (۸) متوسط مقدار ارزش در معرض خطر شرطی در طول دوره زمانی مورد بررسی هستند.

جدول ۸. نتایج برآورد ارزش در معرض خطر شرطی با روش DCC-Normal

اقتصادنویین	پارسیان	ملت	صادرات	تجارت
-۰/۰۰۹۲	-۰/۰۱۵۸	-۰/۰۱۷۱	-۰/۰۱۵۰	-۰/۰۱۱۷

مأخذ: محاسبات تحقیق

ارزش در معرض خطر شرطی را می توان با استفاده از کوانتایل رگرسیون نیز محاسبه نمود. با استفاده از سری های زمانی می توان رگرسیون کوانتایل مقابل را انجام داد:

$$X^j = \alpha_q^i + \beta_q^i X^i + \varepsilon \quad (20)$$

این معادله، رگرسیون X^j (j می تواند سیستم یا هر بانک $i \neq j$ باشد) بر X^i برای هر موسسه i را نشان می دهد. ضریب رگرسیون کوانتایل β_q^i ، تغییرات یک کوانتایل مشخص q از X^j را که توسط یک واحد تغییر در X^i ایجاد شده است، برآورد می کند. به عبارتی:

$$\hat{X}_q^{j,i} = \hat{\alpha}_q^i + \hat{\beta}_q^i X^i \quad (21)$$

با استفاده از تعریف و روابط (۶) و (۲۱) داریم:

$$\text{CoVaR}_q^{j|iX^i=\text{VaR}_q^i} = \hat{\alpha}_q^i + \hat{\beta}_q^i \text{VaR}_q^i \quad (22)$$

با توجه به اینکه برای محاسبه ارزش در معرض خطر شرطی، می بایست مقادیر ارزش در معرض خطر در دسترس باشد، ابتدا مقادیر ارزش در معرض خطر محاسبه و نتایج در جدول (۹) ارائه شده است.

جدول ۹. ارزش در معرض خطر برای هر یک از بانک ها و کل سیستم در سطوح اطمینان مختلف

اقتصاد نوین	پارسیان	ملت	صادرات	تجارت	کل سیستم	
-۵/۵۷٪	-۶/۳۹٪	-۵/۰۵٪	-۵/۳۲٪	-۵/۸۱٪	-۳/۱۳٪	VaR(5%)
-۱۵/۰۸٪	-۱۱/۷۲٪	-۱۴/۱۹٪	-۱۲/۰۰٪	-۱۸/۱۵٪	-۹/۶۹٪	VaR(1%)
۰٪	۰٪	۰٪	۰٪	۰٪	-۰/۰۷٪	VaR(50%)

مأخذ: محاسبات تحقیق

پس از انجام محاسبات فوق، مقادیر بدست آمده برای ارزش در معرض خطر شرطی همه زیر مجموعه های ممکن از سری های زمانی مورد بررسی در جدول (۱۰) ارائه شده است. برای نمونه در ردیف ۳ جدول، ارزش در معرض خطر شرطی بانک ملت و در سطر ۸ ارزش در

معرض خطر مشروط بانک‌های اقتصاد نوین و صادرات درج شده است. در سطر آخر جدول، ریسک کلی برابر با ۰/۰۵۲۶۵- محاسبه شده که به عنوان معیار استاندارد توسط نهادهای تنظیم مقررات برای ارزیابی ریسک سیستمیک هر یک از بانک‌ها به صورت انفرادی قابل استفاده است. این معیار، ریسک سیستمیک کل مجموعه را زمانی که همه بانک‌های موجود در سیستم (در اینجا ۵ بانک) در وضعیت اضطرار قرار دارند، بدست می‌دهد. طبق نتایج حاصله، بانک پارسیان با ۴/۹۷٪ و صادرات با ۴/۰۶٪ به ترتیب بیشترین و کمترین ارزش در معرض خطر شرطی را دارا هستند. در جدول (۱۱) نتایج مربوط به ارزش شیپلی برای هر یک از بانک‌ها گزارش شده است. ارزش شیپلی عبارت است از متوسط مشارکت نهایی هر بانک در تمامی حالت‌های ممکن.

جدول ۱۰. مقادیر ارزش در معرض خطر مشروط برای زیرمجموعه‌های مختلف از ۵ بانک در سطح ۵٪

ردیف	نام بانک	COVaR	ردیف	نام بانک	COVaR
۱	en	-۰/۰۴۳۰۶	۱۷	en, pars, sad	-۰/۰۵۳۳۱
۲	pars	-۰/۰۴۹۷۵	۱۸	en, pars, tej	-۰/۰۵۳۱۴
۳	mel	-۰/۰۴۴۰۹	۱۹	en, mel, sad	-۰/۰۵۱۳۲
۴	sad	-۰/۰۴۰۶۴	۲۰	en, mel, tej	-۰/۰۵۳۲۵
۵	tej	-۰/۰۴۱۰۲	۲۱	en, sad, tej	-۰/۰۴۷۴۲
۶	en,pars	-۰/۰۵۲۳۹	۲۲	pars, mel, sad	-۰/۰۵۴۴۴
۷	en,mel	-۰/۰۴۸۶۸	۲۳	pars, mel, tej	-۰/۰۵۵۵۷
۸	en, sad	-۰/۰۴۷۱۲	۲۴	pars, sad, tej	-۰/۰۵۳۶۴
۹	en, tej	-۰/۰۴۶۲۹	۲۵	mel, sad, tej	-۰/۰۴۸۸۱
۱۰	pars, mel	-۰/۰۵۷۴۶	۲۶	en, pars, mel, sad	-۰/۰۵۳۲۳
۱۱	pars, sad	-۰/۰۴۸۳۹	۲۷	en, pars, mel, tej	-۰/۰۵۴۷۲
۱۲	pars, tej	-۰/۰۵۲۳۸	۲۸	en, mel,sad,tej	-۰/۰۵۳۴۳
۱۳	mel, sad	-۰/۰۴۷۹	۲۹	en, pars,sad, tej	-۰/۰۵۴۲۵
۱۴	mel, tej	-۰/۰۴۹۷۳	۳۰	pars, mel, sad, tej	-۰/۰۵۵۸۴
۱۵	sad, tej	-۰/۰۴۶۳۷	۳۱	en, pars, mel, sad, tej	-۰/۰۵۲۶۵
۱۶	en, pars, mel	-۰/۰۵۷۰۹			

مأخذ: محاسبات تحقیق

جدول ۱۱. نتایج مربوط به محاسبات ارزش شیپلی

مشارکت نهایی هر یک از بانکها در هر زیر گروه					نام بانک
tej	sad	mel	pars	en	ارزش شیپلی
-۰/۰۰۹۳۹	-۰/۰۰۸۲۶	-۰/۰۱۱۳۷	-۰/۰۱۴۱۱	-۰/۰۰۹۵۲	

مأخذ: محاسبات تحقیق

طبق نتایج جدول (۱۱) به ترتیب بانکهای پارسیان، ملت، اقتصاد نوین، تجارت و صادرات دارای بیشترین اهمیت سیستمیکی در دوره مورد بررسی هستند.

۶. نتیجه گیری

ریسک سیستمیک یکی از مفاهیم دشوار در مباحث مالی به شمار می رود. یک سنجه خوب برای محاسبه ریسک سیستمیک می بایست وجوه مختلفی را که گویای اهمیت یک موسسه مالی در سیستم مالی است به خوبی توصیف نماید. در این مقاله سنجه ارزش در معرض خطر شرطی چندگانه (Multi-COVaR) برای محاسبه ریسک سیستمیک بکار گرفته شده و سپس از روش ارزش شیپلی برای تخصیص کارآمد ریسک سیستمیک محاسبه شده در قسمت قبل، میان هر یک از بانکها استفاده شده است. ویژگی جمع پذیری ارزش شیپلی تضمین می کند که مجموع ارزش شیپلی هر بانک از کل ریسک سیستمیک دقیقاً برابر با ارزش در معرض خطر شرطی چندگانه (Multi-COVaR) همه بانکهایی است که در معرض بحران قرار گرفته اند. در نتیجه سیاست احتیاطی کلان اقتصادی بر اساس کاربست این سنجه بطور کارا و بالقوه قابلیت اجرا دارد. محاسبات مربوط به ارزش شیپلی نشان می دهد که در دوره مورد بررسی بانکهای پارسیان، ملت، اقتصاد نوین، تجارت و صادرات به ترتیب دارای بیشترین اهمیت سیستمیکی هستند. بنابراین در صورت بروز بحران و نیاز به مداخله نهادهای بالاسری از جمله دولت برای کنترل بحران و با توجه به مقادیر بدست آمده ارزش شیپلی، بانک پارسیان در اولویت خروج از بحران قرار دارد. علیرغم اینکه انتظار اولیه مبنی بر اینکه تاثیر سیستمیکی بانکهای بزرگی مانند صادرات و تجارت بیش از بانکهای کوچک باشد، لیکن نتایج

حاصله خلاف این موضوع را نشان می‌دهد. نتیجه حاصله در این خصوص با نتایج مقالات عیوضلو و رامشگ (۱۳۹۸)، ابریشمی و همکاران (۱۳۹۸)، مهدوی کلیشمی و همکاران (۱۳۹۶) و رستگار و کریمی (۱۳۹۵) که نشان دادند لزوماً بانک‌های بزرگ دارای ریسک سیستمیک بزرگتری نیستند، مطابقت دارد. اگر چه تفاوت‌هایی در مقدار ریسک و رتبه بانک‌ها از نظر ریسک وجود دارد که عمدتاً از موارد زیر ناشی شده است: ۱- تفاوت معیار سنجش ریسک و روش مورد استفاده ۲- تفاوت دوره زمانی مورد بررسی ۳- رتبه‌بندی بانک‌ها از منظر ریسک با دو رویکرد تاثیرپذیری بانک‌ها از ریسک موجود در کل سیستم یا از منظر تاثیرگذاری هر یک از بانک‌ها بر کل سیستم صورت پذیرفته است.

مدل DCC-GARCH یک مدل مناسب برای مطالعه وابستگی‌های متغیر در زمان است. این مدل نوسان و همبستگی موجود بین سهام‌های مختلف را در هر نقطه از زمان توصیف می‌کند. برآورد مدل DCC-GARCH در دو حالت و با فرض وجود توزیع نرمال و توزیع t -استیودنت صورت پذیرفته است. مقایسه نتایج با استفاده از مقدار لگاریتم لایک‌لی‌هود و درجه آزادی در مدل t -استیودنت نشان داد که مدل t -استیودنت نسبت به مدل نرمال برتری دارد. به منظور بررسی وجود اثر اهرمی از مدل GJR-GARCH استفاده گردید و نتایج حاصل از تخمین وجود عدم تقارن و عدم وجود اثر اهرمی را در داده‌ها نشان داد.

معناداری پارامترهای مدل DCC از وجود هم‌حرکتی قابل توجه متغیر در زمان بین سری زمانی هر یک از بانک‌ها با شاخص گروه بانکی و در نتیجه ماندگاری بالای همبستگی شرطی حکایت می‌کند. مجموع این پارامترها نزدیک به ۱ بوده و در دامنه $0/988,972$ برای بانک صادرات و $0/881,222$ برای بانک پارسیان نوسان می‌کند. این بدان معناست که نوسانات در حالت بسیار پایداری قرار دارند. از آنجا که $\alpha_C + \beta_C < 1$ است، همبستگی‌های پویا حول یک سطح ثابت تغییر می‌کنند و به نظر می‌رسد روند پویا، بازگشت‌کننده به میانگین است. در بررسی همبستگی شرطی پویای بین بانک‌های منتخب، ملاحظه می‌شود که α_C, β_C برای هر دو حالت تخمین معنادار نیستند در نتیجه در هر دو

حالت برآورد شده با فرض وجود توزیع نرمال و توزیع t -استیودنت، $\alpha_C = \beta_C = 0$ بوده و مدل به صورت همبستگی شرطی ثابت تبدیل می شود. به عبارتی همبستگی شرطی بین سری زمانی بانک های منتخب در دوره مورد بررسی در طول زمان متغیر نبوده و ثابت است.

با عنایت به تجارب بشری در خصوص بروز بحران در حوزه بازارهای مالی که به سرعت می تواند به سایر بخش های اقتصادی سرایت نموده و تبعات منفی اقتصادی و اجتماعی ایجاد نماید، پیشنهاد می شود به منظور ایجاد ثبات در اقتصاد، نهادهای مسئول نسبت به بررسی دائمی و منظم ریسک سیستمیک بازارهای مالی مختلف اقدام نموده سپس در داخل هر یک از این بازارها موسسات مهم از نظر ریسک سیستمیک در دوره های مختلف شناسایی گردند. ضمن اینکه از مدل های مناسب برای پیش بینی ریسک سیستمیک استفاده گردد تا نهادهای قانونی فرصت لازم برای اعمال سیاست های متناسب با شرایط را داشته باشند. برای اجرای اقدامات سیاستی به منظور تنظیم ریسک سیستمیک، لازم است مقامات نظارتی ریسک های سیستمی را اندازه گیری و عملیاتی کنند. انجام اقدامات برای شناسایی و کنترل ریسک سیستمیک می بایست در ابعاد زمانی و مقطعی به صورت جداگانه مورد بررسی قرار گیرد. در بعد زمانی، شاخص های پیش نگر پریشانی مالی مورد نیاز است، در حالی که در بعد مقطعی، تعیین مقدار کمی سهم هر یک از موسسات در ریسک سیستمیک ضرورت دارد. در بعد زمانی محاسبه ۴ اندیکاتور پیش نگر زیر که ریسک سیستمیک را از منظرهای مختلف محاسبه می کنند، می تواند به سیاستگذاران پولی و مالی هشدارهای لازم در خصوص احتمال بروز ریسک سیستمیک را صادر نماید. این اندیکاتورهای پیش نگر عبارتند از: (۱) شاخص های همزمانی ثبات مالی که وضعیت بی- ثباتی فعلی در سیستم مالی را اندازه گیری می کنند. (۲) مدل های سیگنال هشدار دهنده اولیه برای تشخیص انباشت بحران های سیستمیک. (۳) آزمون های استرس کلان که می توانند انعطاف پذیری سیستم مالی را در برابر شوک های کلان ارزیابی کنند. (۴) استفاده از مدل های سرایت و سرریز برای تحلیل تأثیر بحران بر ثبات سیستم مالی. با استفاده از مجموعه ای از

این شاخص‌ها، بانک مرکزی و مقامات نظارتی می‌توانند ابعاد مختلف ریسک سیستمیک را ارزیابی کنند. پیش شرط لازم برای سنجش مفید ریسک سیستمیک این است که تمام ابعاد ریسک‌های سیستمیک در نظر گرفته شده و در نتیجه ضرورت دارد که همه یا حداقل ترکیبی از برخی از شاخص‌های ریسک سیستمیک مورد استفاده قرار گیرد.

در بررسی ریسک سیستمیک از بعد مقطعی، می‌بایست اهمیت سیستمیکی موسسات مالی انفرادی مورد ارزیابی قرار گیرند. هدف از انجام این رویکرد، تحمیل الزامات نظارتی اضافی و نظارت دقیقتر بر موسساتی است که به لحاظ سیستمیکی حائز اهمیت بیشتری هستند تا از این رهگذر امکان جذب و برطرف نمودن زیان‌های موسسه مالی توسط ابزارهای احتیاطی در نظر گرفته شده توسط خود آن موسسه فراهم شده و از گسترش آن به سایر موسسات و سایر بخش‌های اقتصادی و نهایتاً کل اقتصاد جلوگیری گردد. از آنجا که بسیاری از مطالعات تجربی انجام شده، نشان دادند که بین اهمیت سیستمیکی یک موسسه مالی و اندازه آن رابطه وجود ندارد، می‌بایست در گام نخست نسبت به شناسایی موسسات مهم از منظر ریسک سیستمیک بر مبنای معیارهای مختلف محاسبه ریسک سیستمیک اقدام گردد. در این خصوص و برای شناسایی موسسات مهم از نظر ریسک سیستمیک، یک رویکرد استفاده از معیارهای مختلف محاسبه ریسک سیستمیک مانند CoVaR, SRISK, MES و رویکرد دیگر بهره‌گیری از تئوری بازی‌های همکارانه و نسبت دادن سهم هر موسسه از ریسک کلی با استفاده از رویکرد ارزش شیپلی است. پس از شناسایی موسسات مهم از نظر ریسک سیستمیک، می‌بایست برخی مقررات اضافی و سختگیرانه بر این موسسات توسط نهادهای سیاستگذار در نظر گرفته شود. از جمله این مقررات و به عنوان نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- الزام موسسات مالی برای تحقق برخی الزامات نقدینگی به منظور کاهش احتمال بروز بحران در موسسه مالی و کاهش احتمال سرایت این مشکلات از طریق بازار بین بانکی. در این خصوص در بازل ۳ موسسات مالی ملزم به رعایت دو نسبت نقدینگی هستند. نسبت

پوشش نقدینگی با رویکرد کوتاه مدت و نسبت خالص وجوه پایدار ابا رویکرد بلندمدت. در چارچوب نسبت پوشش نقدینگی، برای جلوگیری از اختلالات کوتاه مدت، موسسات مالی ملزم به نگهداری مقدار کافی دارایی نقد با کیفیت بالا هستند. در حالی که نسبت خالص وجوه پایدار شامل کل ترازنامه موسسه مالی برای جلوگیری از بروز مشکلات ساختاری بلندمدت ناشی از عدم تطابق نقدینگی است.

- افزایش اختیارات ناظران برای نظارت های بیشتر بر موسسات دارای ریسک سیستمیک بیشتر و الزام اینگونه موسسات برای شفافیت بیشتر در ارائه اطلاعات و انتشار صورت های مالی.

- الزام SIFI ها به ایجاد ظرفیت جذب زیان بیشتر تا ریسک بیشتری را که عدم موفقیت آنها برای سیستم مالی کشوری ایجاد می کنند، پاسخگو باشند. به عنوان نمونه در بازل ۳ SIFI ها ملزم به نگهداری سرمایه اضافی متناسب با اهمیت سیستمی موسسه مالی شده اند.

- تقویت زیرساخت های اصلی بازار مالی برای کاهش ریسک سرایت بحران های انفرادی به سایر مجموعه ها

شایان ذکر است در خصوص تنظیم مقررات برای موسسات مالی دارای اهمیت سیستمی، می توان به موارد بسیار زیادی اشاره نمود که ارائه همه این موارد خود نیازمند یک مقاله و پژوهش جداگانه با تمرکز بر این موضوع است.

ترکیب مدل DCC-GARCH با مدل رژیم سوئیچینگ و بررسی نحوه تغییرات ریسک سیستمیک بر اساس معیارهای مختلف از جمله CoVaR, MES, SRISK در رژیم های مختلف به منظور شناسایی دقیقتر رفتار ریسک سیستمیک و در نتیجه سیاستگذاری بهینه تر در این خصوص می تواند موضوع پژوهش های آتی باشد. در این چارچوب پیشنهاد می شود علاوه بر شناسایی موسسات مهم از نظر ریسک سیستمیک، نسبت به پیش بینی این ریسک در چارچوب مدل یاد شده نیز اقدام گردد.

تقدیر و تشکر

مقاله حاضر، حاصل بخشی از رساله دکتری رشته علوم اقتصادی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران است و نویسندگان مقاله از مساعدت‌های دانشکده یاد شده، تشکر و قدردانی می‌کنند.

منابع و مأخذ

- Abdoli, Q., Rezaei, M.J., & Movahedi Beknazar, M. (2015). Comparison of Theoretical Solutions and Experimental Results of Gains Allocation in Cooperative Games. Biannual Journal Eqtesad-e Tatbigi, (1)2, 117-131. (In Persian)
- Abrishami, H., Mehrara, M., & Rahmani, M. (2019). Measuring and Analysis of Systemic Risk in Iranian Banking Sector and Investigating Its Determinants. Journal of Econometric Modeling, (4)3, 11.36. (In Persian)
- Acharya, V. & Pedersen, L. H. & Philippon, T. & Richardson, M. P. (2010). measuring systemic risk, FRB of Cleveland Working Paper.
- Acharya, V. & Engle, R., & Richardson, M. (2012). Capital shortfall: A new approach to ranking and regulating systemic risks, The American Economic Review, 102 (3).
- Adrian, T. & Brunnermeier, M.K. (2009). CoV aR, Staff Reports 348, Federal Reserve Bank of New York.
- Adrian, T & Brunnermeier, M.K. (2014). CoVaR, Staff Reports, (106)7, 1705-1741.
- Ali, R. & Vause, N. & Zikes, F. (2016). Systemic Risk in Derivatives Markets: A Pilot Study Using CDS Data, Bank of England Financial Stability Papers, 8, 3-21.
- Andersson, S.T. & Lindskog, J. (2019). A study on the DCC-GARCH model's forecasting ability with value-at-risk applications on the Scandinavian foreign exchange market, Independent thesis Basic level (degree of Bachelor).
- Arias, M. & Mendoza, J. & Pérez-Reyna, D. (2010). Applying CoVaR to Measure systemic market risk: the Colombian case, Working Paper, Bogotá: Banco de la Republica.
- Babajani, J., Bolo, G., & Ghazali, A. (2018). A Framework for Measuring and Predicting Systemic Risk with the Marginal Expected Shortfall Approach (MES) in Iran Capital Market. Journal of Financial Management Strategy, (6)3, 1-29. (In Persian)
- Baillie, R. & Bollerslev, T. (1989). The Message in Daily Exchange Rates: A Conditional-Variance Tale, Journal of Business & Economic Statistics, (7)3, 297-305.
- Banulescu, G.D. & Dumitrescu, E.I. (2015). Which are the SIFIs? A Component Expected Shortfall approach to systemic risk,. Journal of Banking & Finance, 50, 575-588.
- Benoit, S. & Colletaz, G. & Hurlin, C. & Pérignon, C. (2013). A Theoretical and Empirical Comparison of Systemic Risk Measures, HEC Paris Research Paper No. FIN-2014-1030. Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=1973950> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.1973950>

- Billio, M. & Caporin, M. & Gobbo, M. (2005). Flexible Dynamic Conditional correlation Multivariate GARCH models for Asset Allocation., Ca' Foscari University of Venice Department of Economics.
- Bollerslev, T. (1987). A Conditionally Heteroskedastic Time Series Model for Speculative Prices and Rates of Return, the Review of Economics and Statistics, (69)3, 542-547.
- Bollerslev, T. (1990). Modelling the Coherence in Short-run Nominal Exchange Rates: A Multivariate Generalized ARCH Model, The Review of Economics and Statistics, (72)3, 498-505.
- Bollerslev, T. & Wooldridge, J.M. (1992). Quasi-Maximum Likelihood Estimation and Inference in Dynamic Models with Time Varying Covariances., Econometric Reviews, 11, 143-172.
- Brownlees, C.T., & Engle, R. (2012). Volatility, correlation and tails for systemic risk measurement. Working paper.
- Brownlees, C. & Engle, R. (2016). SRISK: A Conditional Capital Shortfall Measure of Systemic Risk, Esrb Working Paper, (30)1, 48-79.
- Cao, Z. (2013). Multi-CoVaR and Shapley Value: A Systemic Risk Measure., Working Paper, Banque de France.
- Clemente, AD. (2018). Estimating the Marginal Contribution to Systemic Risk by A CoVaR-model Based on Copula Functions and Extreme Value Theory, Economic Notes, (47)4, 1-44.
- Dajčman, S. & Festić, M. (2012). Interdependence between the Slovenian and European Stock Markets – A DCC-Garch Analysis, Economic Research, (25)2, 379-395.
- Danesh Jafari, D., Mohammadi, T., Botshekan, M.H., & Pashazadeh, H. (2017). Analysis of the Systemic Risk in the Banking System Using Dynamic Conditional Correlation (DCC). Journal of Monetary and Banking Research, (10)33, 457-480. (In Persian)
- Derbali, A. & Hallara, S. (2015). Systemic risk of European financial institutions: Estimation and ranking by the Marginal Expected Shortfall, Research in International Business & Finance, (37)2, 32-40.
- Derbali, A. & Hallara, S. (2015). Dependence of Default Probability and Recovery Rate in Structural Credit Risk Models: Empirical Evidence from Greece, International Journal of Management and Business Research, (5)2, 141-158.
- Dias, D. & Fernando, L. & Lucena Aiube, A. & Baidya, T. & Nanda, K. (2016). Hedging stocks through commodity indexes: a DCC-GARCH approach, Journal of Financial and Quantitative Analysis, (51) 5, 1545–1574.
- Drakos, A.A. & Kouretas, G.P. (2014). Measuring Systemic Risk in Emerging Markets Using CoVaR. In Emerging Markets and the Global

Economy. M. Arouri, S. Boubaker, dan D. K. Nguyen (eds). Oxford: United Kingdom.

- Drehman, M. & Tarashev, N. (2011). Systemic importance: Some simple indicators, BIS Quarterly Review, 25-37.
- Eivazloo, R., & Rameshg, M. (2020). Measuring systemic risk in the financial institution via dynamic conditional correlation and delta conditional value at risk mode and bank rating. Asset Management & Financing, 4(4), 1-16. (In Persian)
- Engle, R. (2002). Dynamic Conditional Correlation: A Simple Class of Multivariate Generalized Autoregressive Conditional Heteroskedasticity Models, Journal of Business & Economic Statistics, (20) 3, 339-50.
- Engle, R. (2009). Anticipating Correlations: A New Paradigm for Risk Management, Princeton University Press.
- Engle, R. & Gonzalez-Rivera, G. (1991). Semi parametric ARCH Models, Journal of Business & Economic Statistics, (9) 4, 345-59.
- Engle, R.F. & Sheppard, K. (2001). Correlation Multivariate GARCH: Theoretical and Empirical properties of Dynamic Conditional, NBER Working Paper no. 8554 Issued in October 2001
- Farzinvas, A., Elahi, N., Gilanipour, J., & Mahdavi, GH. (2017). The evaluation of Systemic Risk in the Iran Banking System by Delta Conditional Value at Risk (CoVaR) Criterion. Financial Engineering and Portfolio Management, (8)33, 265-281. (In Persian)
- Girardi, G. & Ergün, AT. (2013). Systemic risk measurement: Multivariate GARCH estimation of CoVaR, Social Science Electronic Publishing, (37) 8, 3169-3180.
- Glosten, L.R. & Jagannathan, R. & Runkle, D.E. (1993). On the Relation between the Expected Value and the Volatility of the Nominal Excess Return on Stocks, Journal of Finance, (48) 5, 1779-1801.
- Grieb, F. (2015). Systemic Risk and Hedge Funds, Social Science Electronic Publishing, (49) 2, 235-340.
- Hekmati Farid, S., Rezazade, A., & Malek, A. (2019). The Estimation of Systematic Risk in Iranian Financial Sectors (Δ CoVaR Approach). Journal of Economical Modeling, (12)43, 99-122. (In Persian)
- Hsieh, D.A. (1989). Testing for Nonlinear Dependence in Daily Foreign Exchange Rates, The Journal of Business, (62) 3, 339-68.
- Huang, W.Q. & Uryasev, S. (2018). The CoCVaR approach: systemic risk contribution measurement, Journal of Risk, 20(4), 75-93.
- Karimalis, EN. & Nomikos, NK. (2017). Measuring Systemic Risk in the European Banking Sector: A Copula CoVaR Approach, European Journal of Finance, 1, 1-38.

- Kiani, T., Fareed, D., & Sadeghi, H. (2016). The Measurement of Risk based on the Criterion of Value at Risk via Model of GARCH (A Study of Stock of Listed Companies in Tehran Stock Exchange (TSE) in the Cement Industry). *Journal of Financial Management Strategy*, 3(3), 149-168. (In Persian)
- Kuhe, D.A. (2018). Modeling Volatility Persistence and Asymmetry with Exogenous Breaks in the Nigerian Stock Returns, *CBN Journal of Applied Statistics*, (9) 1, 167-196.
- Lin, E. & Sun, E.W. & Yu, M.T. (2016). Systemic Risk, Interconnectedness, and Non-core Activities in Taiwan Insurance Industry, *Annals of Operations Research*, 12, 1-25.
- Liu, J. & Song, Q. & Qi, Y. & Rahman, S. & Sriboonchitta, S. (2020). Measurement of systemic risk in Global Financial Markets and Its Application in Forecasting Trading Decisions, Sustainability, MDPI, Open Access Journal, 12(10), 1-15.
- Longin, F. & Solnik, B. (1995). Is the Correlation in International Equity Returns Constant?, *Journal of International Money and Finance*, 14, 3-26.
- Mighri, Z. & Mansouri, F. (2013). Dynamic Conditional Correlation Analysis of Stock Market Contagion: Evidence from the 2007-2010 Financial Crises, *International Journal of Economics and Financial Issues*, (3) 3, 637-661.
- Minović, J.Z. (2009). Modeling Multivariate Volatility Processes: Theory and Evidence, *Theoretical and Applied Economics*, (534) 5, 21-44.
- Muharam, H. (2017). Measuring Systemic Risk of Banking in Indonesia: Conditional Value at Risk Model Application, *Jurnal Ilmu Ekonomi*, (6) 2, 301 – 318.
- Orskaug, E. (2009). Multivariate DCC-GARCH Model, Norwegian University of Science and Technology, Department of Mathematical Sciences.
- Palm, F. & Vlaar, P. (1997). Inflation differentials and excess returns in the European Monetary System, *Journal of International Financial Markets, Institutions and Money*, (7) 1, 1-20.
- Pascual, L. & Nieto, M. & Ruiz, E. (2006). Bootstrap prediction intervals for VaR and ES in the context of GARCH models, *Computational Statistics & Data Analysis*, 50, 2293-2312.
- Rastegar, M.A., & Karimi, N. (2016). Systemic Risk in TSE Banking Sector, *Journal of Risk Modeling and Financial Engineering*, 1(1), 1-19. (In Persian)
- Reboredo, J.C. & Ugolini, A. (2015). Systemic risk in European sovereign debt markets: A CoVaR-copula approach, *Journal of International Money & Finance*, 51, 214-244.

- Restrepo, M. I. (2012). Estimating Portfolio Value at Risk with GARCH and MGARCH models, *Perfil de Coyuntura Económica*, 19, 77-92.
- Sakti, M.R.P. & Masih, M. & Saiti, B. & Tareq, M.A. (2018). Unveiling the diversification benefits of Islamic equities and commodities: Evidence from multivariate-GARCH and continuous wavelet analysis, *Managerial Financ*, 44, 830–850.
- Sayadi, M., & Karimi, N. (2020). Modeling the Dependency Structure between Stocks of Chemical Products Return, Oil Price and Exchange Rate Growth in Iran; an Application of Vine Copula. *Journal of Economic Modeling Research*, 10(38), 45-94. (In Persian)
- Smaga, P. (2014). The concept of systemic risk, *LSE Research Online Documents on Economics* 61214, London School of Economics and Political Science, LSE Library.
- Espinosa, G. L. & Moreno, A. & Rubia, A. & Valderrama, L. (2015). Systemic risk and asymmetric responses in the financial industry, *Journal of Banking & Finance*, (58), 471-485.
- Tse, Y. K. (2000). A Test for Constant Correlations in a Multivariate GARCH Model, *Journal of Econometrics*, 98, 107-127.
- Tse, Y. K. & Tsui, K. C. (2002). A Multivariate Generalized Autoregressive Conditional Heteroscedasticity Model with Time-Varying Correlations, *Journal of Business & Economic Statistics*, (20) 3, 351-362
- Wanat, S. & Denkowska, A. (2018). Dependencies and systemic risk in the European insurance sector: Some new evidence based on copula-DCC-GARCH model and selected clustering methods. *Xiv*:1905.03273.
- Weiss, A. A. (1986). Asymptotic Theory for ARCH Models: Estimation and Testing, *Econometric*, (2) 1, 107-131.
- Yu, I. W. & Fung, K. P. & Tam, Ch. S. (2010). Assessing financial market integration in Asia - Equity markets, *Journal of Banking & Finance*, (34) 12, 2874-2885.
- Zakoian, J. M. (1994). Threshold heteroskedastic models, *Journal of Economic Dynamics and Control*, (18) 5, 931-955.

Investigating the Correlation of Selected Banks with Dynamic Conditional Correlation (DCC) Model and Identifying Systemically Important Banks with Conditional Value at Risk and Shapley Value Method

Seyed Ali Naseri , Farkhondeh Jabal Ameli , Sajad Barkhordary Dorbash

Received: 2020/06/1

Accepted: 2020/12/1

Abstract

Systemic risk arises from simultaneous movement or correlations between market segments; Thus, systemic risk occurs when there is a high correlation between the risks and crises of different market segments or institutions operating in the economy, or when the risks of different segments in a market segment or a country are related to other segments and other countries. This paper presents a measure of systemic risk calculation to effectively describe the systemic importance of each financial institution in a system. The DCC-GARCH methodology with normal and t-student distributions has been used to examine the correlation of time-varying banks. The results of this section show that the application of DCC-GARCH-student-t model is preferable to DCC-GARCH-normal model. In order to investigate the presence of leverage effect, GJR-GARCH model was used and the results of estimation showed the presence of asymmetry and the absence of leverage effect in the data. In the study of dynamic conditional correlation between selected banks, it is also observed that α_C , β_C are not significant for both estimation cases. Therefore, in both cases, it is estimated based on the normal distribution and t-student $\alpha_C = \beta_C = 0$ and the conditional correlation becomes constant. Based on the results of shapley value and in order to allocate the total risk between the banks in the sample, Parsian, Mellat, EN, Tejarat and Saderat banks have the most systemic importance for the period of June 17, 2009 to May 7, 2019.

Keywords: Systemic Risk, Conditional Value at Risk(CoVaR), DCC-GARCH Model, Shapley Value.

JEL Classification: G21,G32,C13.

1. Ph.D Student of Economics, University of Tehran, Email: salinaseri@yahoo.com

2. Associate Professor of Economics, University of Tehran, (Corresponding Author), Email: mahla.sinaeyan@gmail.com

. Assistant Professor of Economics, University of Tehran, Email: barkhordari@ut.ac.ir

